

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی و صنعتی مرتع

خوش بیلاق استان گلستان

یاسمن کیاسی*، محمدرحیم فروزه**

سیده زهره میردیلیمی***، حمید نیک نهاد***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۷

چکیده

گیاه مردم‌نگاری شاخه نوپا از حوزه دانش بومی مردم‌شناسی است و واجد آفرینندگی‌های ارزشمندی در حوزه دانش سنتی مرتبط با گیاهان است. در این مطالعه با توجه به غنای گونه‌های گیاهی و دانش بومی گیاهان، مرتع خوش بیلاق استان گلستان مورد بررسی قرار گرفته است. ثبت اطلاعات به صورت گفتگو به هر دو شیوه مصاحبه در محل زندگی بومیان و مشاهده مشارکتی در محل رویشگاه گیاهان انجام شد. هم‌زمان با مشاهده مشارکتی، از طریق پیمایش‌های صحرائی، نمونه‌های هر بار بومی از گیاهان مرتع خوش بیلاق برداشت و بر اساس منابع معتبر گیاه‌شناسی ایران و سایر منابع گیاهان دارویی شناسایی شدند. برای هر گیاه نام محلی، اندام مورد استفاده، خواص دارویی و نحوه استفاده آنها ثبت گردید. در این تحقیق گونه‌های گیاهی متعلق به ۱۷ خانواده که تعداد بیشتری از افراد بومی آن گیاه را شناخته و به خواص آن واقف بودند و به عبارتی تعداد نقل قول از آنها نسبت به گیاهان دیگر بیشتر بوده است، انتخاب شدند. نتایج این تحقیق گویای آن است که از ۳۰ گونه گیاهی انتخاب شده، ۱۷ مورد آن استفاده خوراکی دارویی، ۱۰ مورد استفاده دارویی و ۳ مورد کاربرد دارویی و صنعتی داشته‌اند. نام‌گذاری محلی گونه‌ها تا حد زیادی منطبق با خصوصیات مورفولوژیک و نیازهای اکولوژیک گیاه بوده است. شناخت و پیش‌بینی زیستگاه گونه‌های گیاهی نیز از مهم‌ترین اطلاعات کاربردی دانش بومی مردم خوش بیلاق بود. ایشان به انواع فرم‌های رویشی، اندام و فرایندهای گیاهی، خواص مختلف و شیوه استفاده از گیاهان به‌عنوان خوراک، دارو، ابزار و سرپناه آگاهی داشته و از آن در زندگی خود بهره می‌جویند.

واژه‌های کلیدی: دانش بومی، گیاه مردم‌نگاری، گیاهان دارویی، روش گلوله برفی، مرتع خوش بیلاق

** کارشناسی ارشد علوم مرتع، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

** استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول).

forouzeh@gau.ac.ir

*** دانش‌آموخته مرتع‌داری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

*** استادیار گروه مدیریت مرتع، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

مقدمه

گیاه مردم‌نگاری مطالعه مواجهه انسان و گیاه و یک طبقه‌بندی درون رشته‌ای در مردم‌نگاری است که از ویژگی‌های یک پژوهش آغازگر و بسترساز برخوردار است (فروزه و همکاران، ۱۳۹۳). این مطالعه به‌عنوان بخشی از دانش بومی تعریف شده است و مطالعه‌ای است که تلاش می‌کند دریابد گیاهان چگونه به‌عنوان غذا، پناهگاه، درمان، لباس، شکار و غیره استفاده می‌شوند (Qureshi and Bhatti, 2008: 468-473). به بیانی دیگر گیاه مردم‌نگاری به معنای دانشی است که به مطالعه و بررسی استفاده افراد یک قوم یا یک ناحیه خاص از گیاهان بومی در آن منطقه می‌پردازد. گیاه مردم‌نگاری در واقع مطالعه‌ای است که تلاش می‌کند دریابد گیاهان چگونه جهت رفع نیازهای جوامع مختلف انسانی استفاده می‌شوند. البته تمام انسان‌ها به راه‌های گوناگون با گیاهان اطراف خود در ارتباط هستند، اما مردم محلی رغبت زیادی از خود برای استفاده از گیاهان نشان می‌دهند زیرا برای آنها این امر مسئله‌ای است که گاه تضمین‌کننده بقای آنهاست (بارانی و همکاران، ۱۳۹۰).

تایلر می‌گوید: کاملاً طبیعی است که از هزاران سال پیش، از دوران گردآوری خوراک گیاهی، در هر منطقه از ایران صدها نوع گیاه خوراکی شناسایی شده و در رژیم غذایی نیاکان ما قرار گرفته باشند، شاید بسیاری از این گیاهان با گذشت زمان و پیدایش شرایط نوین، از چرخه پخت خوراک کنار گذاشته شده باشند، اما بقایای این شناسایی و آموخته‌ها تا روزگار ما کشیده شده است و چنانچه اکنون به‌وسیله مردم شناسان و پژوهشگران علم تغذیه، ثبت و ضبط نشود، هر آنچه که تاکنون بجا مانده است نیز به‌زودی از خاطره‌ها رخت برخواهد بست، افزون بر گیاهان خوراکی باید به گیاهان دارویی نیز اشاره کرد، انسان در آغاز زندگی خود روی این کره خاکی، یا بر اثر راهنمایی بازمانده غرایز یا به کمک تجربه و انباشت آن در فرهنگ، رفته‌رفته به خواص شگفت‌آور گیاهان پی برده است. گونه‌های این گیاهان در شرایط زیست‌محیطی و

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۵۳

جمعیتی جدید، درخطر نابودی و دانش چندین هزارساله درباره آن‌ها هم در حال فراموشی است (فرهادی، ۱۳۸۴: ۹۶-۴۱).

مردم‌نگاری دانش‌ها و فناوری‌های سنتی و از آن جمله دانش گیاه‌شناسی اقوام و ملل کهنسال جهان می‌تواند راه آزموده چند هزارساله برای معرفی برخی گیاهان از هر نوع گیاهان جایگزین، مکمل غذایی و دارویی، را به‌منظور اهلی کردن و پرورش اقلام جدیدی از هرکدام از گیاهان نمایان سازد (فرهادی، ۱۳۹۲: ۲-۳۰). به اعتقاد فرهادی هنوز یک مردم‌نگاری دقیق درباره دانش روستاییان، چوپانان و عشایر انجام‌نشده است که با ثبت و ضبط آنها می‌توان گنجینه عظیمی، که با استفاده از آزمون‌وخطاهای مکرر انجام شده است را حفظ و مستند کرد. پژوهش‌های مردم‌نگاری و مردم‌شناسی در شرایط به‌شدت دگرگون شونده فعلی و بر سر این پیچ‌های تند تاریخی رسالتی بر دوش مردم‌نگاران و مردم‌شناسان ایران است (فرهادی، ۱۳۹۳: ۱-۴۹).

لازم به ذکر است که کمبود یا عدم وجود مطالعات ریزمردم‌نگاری دقیق درباره دانش سنتی روستاییان بسیار بیشتر از آنی است که تا به حال به شکل گذرا در بسیاری از منابع آورده شده است (کوسه غراوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴). با توجه به اینکه اتنوبوتانی یا دانش بومی گیاهی ارزش محلی اطلاعات سنتی را به‌صورت استفاده منطقی از طبیعت تفسیر می‌نماید؛ بنابراین جمع‌آوری اطلاعات و دانش اهالی بومی یک منطقه می‌تواند نقش مهمی را در جهت تولیدات گیاهی ایفا نماید. از این‌رو، بررسی، شناسایی، حفظ و نگهداری گونه‌های گیاهی، به‌ویژه گونه‌های دارویی مفید و نادر توسط مردم بومی و محلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۷-۱۵۶). از طرفی پژوهش‌های نظیر آن‌که شامل مستندسازی اطلاعات غیر مکتوب سنتی است می‌تواند به‌منظور بهره‌برداری منطقی از منابع و حفاظت موثر از تنوع زیستی و اطلاعات فرهنگی به کار گرفته شود. با توجه به تنوع پوشش گیاهی ایران و نیز منابع سنتی و علمی متعددی که در زمینه پزشکی سنتی از دیرباز به‌جامانده

است، این مطالعات می‌توانند راهکارها و دستاوردهای ارزشمندی را برای یافتن گیاهان دارویی جدید و داروهای گیاهی ارائه نمایند (Pardo et al, 2010).

دانش بومی مرتبط با گیاهان دارویی و معطر با سرعت زیاد در حال فراموشی و اضمحلال بوده و سالانه مجموع اطلاعات بیشتری در رابطه با دانش مردم محلی گونه‌های دارویی و شیوه‌های فرآوری استفاده از آنها که در واقع بخشی از فرآیند تخریب فرهنگ‌های محلی و بومی است که در طول صدها سال گردآوری شده‌اند در حال نابودی است. اگرچه امروزه اطلاعات علمی در رابطه با گونه‌های دارویی از رشد زیادی برخوردار بوده ولی این اطلاعات در رابطه با تعداد محدودی از گونه‌هاست، پس بجاست از دانش بومی گیاه‌شناسی این گونه‌ها آگاهی داشته باشیم تا بتوانیم بهره‌برداری مناسبی از این گونه‌های ارزشمند در جهت مدیریت بهینه این منابع خداداد و ارزشمند داشته باشیم. هدف از این مطالعه شناسایی گیاهان دارویی مهمی است که به‌طور گسترده به‌وسیله ساکنان محلی روستای خوش‌بیلاق، در درمان بیماری‌ها و تهیه غذاهای سنتی استفاده می‌شوند.

پیشینه تحقیق

در چندین سال اخیر پژوهشگران کشور مطالعاتی را در زمینه اتنوبوتانی یا گیاه مردم‌نگاری گیاهان دارویی و کاربرد سنتی آنها در مناطق مختلف انجام داده‌اند. خدایاری و همکاران (۱۳۹۳) در شمال شرق استان خوزستان، ۱۷۴ گونه گیاه دارویی متعلق به ۶۵ تیره گیاهی را جمع‌آوری و شناسایی کردند، نتایج نشان داد که به ترتیب خانواده‌های Asteraceae با ۲۲ گونه، Lamiaceae با ۲۰ گونه، Apiaceae با ۱۹ گونه و Fabaceae با ۱۶ گونه گیاهی از بیشترین کاربرد داروسازی برخوردار بودند و بیشتر گیاهان در زمینه رفع مشکلات گوارشی، تنفسی، سیستم ادراری و کاهش قند خون و چربی خون استفاده می‌شوند.

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۵۵

دولتخواهی و نبی‌پور (۱۳۹۳) به بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی حوزه آبریز شمال شرقی خلیج فارس پرداختند، در این حوزه ۷۰ گونه گیاه دارویی متعلق به ۳۷ خانواده و ۶۲ جنس را بررسی کردند که از میان ۳۷ خانواده گیاهی شناسایی شده در این حوزه، خانواده کاسنی با ۷ گونه پرجمعیت‌ترین خانواده و جنس بارهنگ با ۴ گونه بزرگ‌ترین جنس در حوزه مورد مطالعه بودند. بیشترین گیاهان دارویی در منطقه در درمان بیماری‌های گوارشی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

نتایج تحقیقات میردیلیمی و همکاران (۱۳۹۳) با موضوع مطالعه اتنوبوتانی و اتنواکولوژی گونه‌های دارویی کچیک (شمال شرق استان گلستان) نشان می‌دهد که در این نوع بررسی تعداد ۴۵ گونه دارویی-خوراکی، متعلق به ۲۱ خانواده با توجه به سابقه مصرف توسط مردم بومی معرفی شد. نتایج نشان داد که دانش بومی نه تنها دارای اطلاعاتی در زمینه خواص درمانی گونه‌های دارویی است بلکه در مورد خصوصیات اکولوژیکی گیاهان (اتنواکولوژی) نیز اطلاعات گرانمایی دارد.

سجادی و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی در شهرستان فریدون‌شهر بیان کردند که مطالعات اتنوبوتانی گیاهان برای دستیابی به گیاه‌درمانی منطقی ضروری بوده و ایران ظرفیت مناسبی برای توسعه این عرصه در پزشکی و طب سنتی دارد.

حاتمی و زاهدی فر (۱۳۹۵) نیز اتنوبوتانی گیاهان دارویی شهرستان فسا در استان فارس را مورد بررسی قرار دادند، نتایج این بررسی نشان داد که گیاهان یادشده عمدتاً در درمان بیماری‌های گوارشی و اعصاب توسط مردم محلی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

تحقیقات علی میرزایی و همکاران (۱۳۹۶) در مرتع چهل کمان واقع در استان خراسان رضوی به مطالعه ۵۱ گونه دارویی متعلق به ۲۶ تیره گیاهی منجر شد که پرجمعیت‌ترین خانواده‌های گیاهی مربوط به Asteraceae و Lamiaceae با ۷ و ۶ گونه

بوده است. یافته‌ها نشان داد بیشترین فراوانی از گیاهان دارویی با ۵۲/۹۴ درصد برای درمان بیماری‌های گوارشی کاربرد دارند.

در راستای تحقیقات ابطحی (۱۳۹۸) در زمینه مطالعه اتنوبوتانی برخی از گیاهان دارویی شهرستان شازند در استان مرکزی، ۵۶ گونه گیاهی متعلق به ۲۳ تیره شناسایی شدند که برای درمان بیماری‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند، که به ترتیب تیره‌های Labiatae و Compositae بیشترین تیره‌های منطقه محسوب می‌شوند.

کیاسی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی شهرستان آباده (مرتع آلمالیچه) پرداختند. در این بررسی ۷۹ گونه دارویی متعلق به ۲۸ خانواده شناسایی شد، که بیشترین سهم در ترکیب گونه‌ها مربوط به خانواده‌های Compositae با ۱۳ گونه و Lamiaceae با ۱۲ گونه، Apiaceae با ۱۰ گونه، Rosaceae، Brassicaceae و Leguminaceae هرکدام با ۴ گونه بود. افراد بومی از تمام گیاهان جمع‌آوری شده استفاده خوراکی و دارویی داشتند، از میان مصارف سنتی و محلی نیز بیشترین کاربرد را در درمان بیماری‌های گوارشی، تصفیه خون، تنظیم فشارخون، قندخون، چربی خون، ضد عفونی کردن، خلط‌آور و سرماخوردگی به خود تخصیص دادند.

همچنین محققانی نظیر بارانی و همکاران (۱۳۹۰) در منطقه چهارباغ از استان گلستان، مقصودی و پارساپژوه (۱۳۹۰) در منطقه پس‌قلعه در شمال تهران، سجادی و همکاران (۱۳۹۰) در منطقه خرم دشت کاشان، دیفرخش (۱۳۹۱) در منطقه دلی کُما از استان کهگیلویه و بویراحمد، ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۲) در شهرستان بابل، سعادت پور و همکاران (۱۳۹۵) در منطقه سجارود استان زنجان، گنجعلی و خاک‌سفیدی (۱۳۹۵) در شهرستان بیرجند، درخشان (۱۳۹۵) در شهرستان سقز استان کردستان رزمجویی و همکاران (۱۳۹۶) در منطقه بهبهان استان خوزستان، حسینی و همکاران (۱۳۹۷) در مراتع زبرخان شهرستان نیشابور (Fakir et al, 2009: 4-30 & Kaya et al,) در کشور ترکیه به جمع‌آوری اطلاعات از خبرگان بومی، درمانگران (2009: 902-907)

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۵۷

محلی و سالخوردگان ساکن در روستاها و مناطق عشایر نشین اقدام نموده‌اند. در یافته‌های این افراد به فراخور نوع بررسی، گیاهان دارویی‌ای که کاربردهای متعدد در زندگی جوامع بومی مناطق مختلف داشته‌اند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

نتایج مطالعه‌ای که در منطقه هاریانای هند انجام شد، نشان داد که مردم روستایی از گذشته‌های دور جهت درمان بیماری‌های خود به مصرف سنتی گیاهان روی آورده‌اند اما اطلاعات آنها در این زمینه به خوبی ثبت نشده است (Gitika and Kumar, 2016).

توجه به گیاهان از منظر کاربردهای دارویی و صنعتی بیشتر خود را در کشورهای درحال توسعه نشان می‌دهد، جایی که پزشکی مبتنی بر گیاهان دارویی تاریخچه طولانی و بلاانقطاعی داشته است. یکی از دلایل عمده تداوم استفاده از گیاهان دارویی در میان کشورهای درحال توسعه، قیمت فزاینده مراقبت‌های بهداشتی به شیوه‌های مدرن و داروهای شیمیایی است. همچنین در این کشورها به دلیل آنکه روش‌های سنتی استفاده از گیاهان دارویی از نقطه نظر معنوی و فرهنگی مورد اعتماد بیشتری است، مردم آن را بهتر می‌پذیرند (کانینگهام^۱، ۱۹۹۸). به عنوان مثال یافته‌های بانتون^۲ (۱۹۹۸)، کاوندیش^۳ (۲۰۰۰)، شارما و بورتاگور^۴ (۲۰۰۸)، آیانار و ایگناسیموتو^۵ (۲۰۱۰) و چن^۶ و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که بسیاری از خانوارهای روستایی به خصوص اقشار کم‌درآمد در سرتاسر جهان به استفاده‌های خوراکی و دارویی از گیاهان طبیعت پیرامون خود وابستگی زیادی دارند.

-
1. Cunningham
 2. Banton
 3. Cavendish
 4. Sharma and Borthakur
 5. Ayyanar and Ignacimuthu
 6. Chen

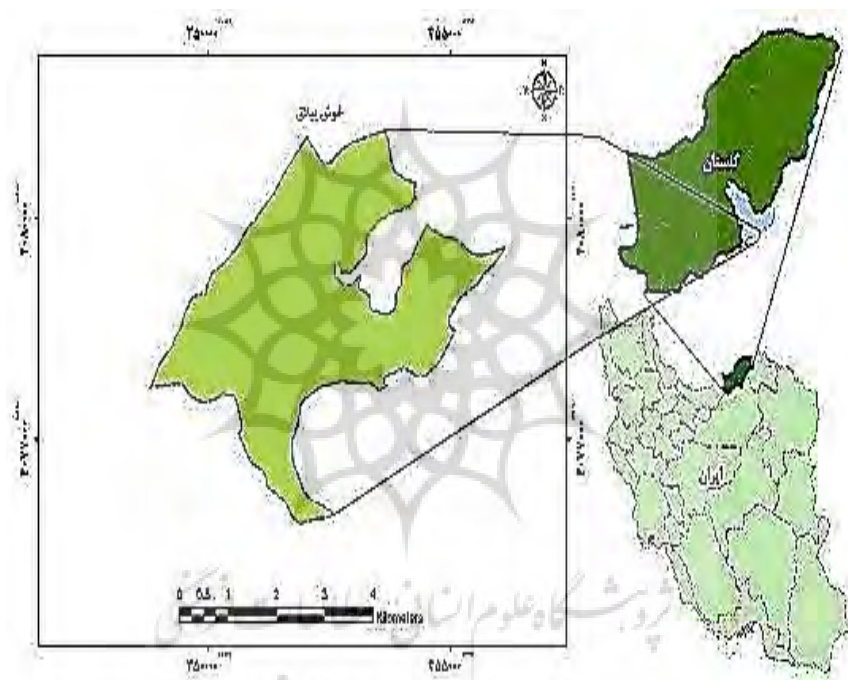
مواد و روش‌ها

مرتع خوش ییلاق با وسعت ۲۷۰۵ هکتار در استان گلستان و ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان آزادشهر و در موقعیت جغرافیایی 13° ، $18' 55^{\circ}$ تا $17' 28' 55^{\circ}$ طول شرقی و $59''$ ، $48' 36^{\circ}$ تا $20''$ ، $54' 36^{\circ}$ عرض شمالی قرار گرفته است (شکل ۱). بطور کلی منطقه خوش ییلاق را می‌توان به دو بخش دشتی و کوهستانی تقسیم‌بندی نمود که دارای آب‌وهوای خنک و معتدل بوده و کمترین و بیشترین میزان بارندگی سالانه آن به ترتیب ۲۰۸ و ۳۶۷ میلی‌متر است که در ماه‌های آبان تا اردیبهشت می‌بارد. جهت باد از جنوب غربی به شمال شرقی است و بیشتر در پاییز و زمستان می‌وزد. ارتفاع منطقه بین ۱۶۰۰ تا ۲۷۰۰ متر از سطح دریا و متوسط سالانه دمای آن از $10/7$ درجه سانتیگراد تا $17/9$ متغیر است. این منطقه از نظر شرایط اقلیمی در ناحیه نیمه‌خشک سرد و از نظر اکولوژیک، مرتعی ییلاقی به شمار می‌رود، سیمای گیاهی عرصه به صورت علفی، بوته‌ای، درختچه‌ای و درختی که با فراوانی نسبتاً متفاوت گیاهان در آن پراکنده می‌باشند، تیپ اراضی منطقه عمدتاً به صورت دشتی و کوهستانی می‌باشد. منطقه مورد مطالعه دارای ۲۳ مرتع‌دار و یک سامان عرفی است که به صورت مشترک از آن بهره‌برداری می‌کنند.

روستای خوش ییلاق ۶۰۰ سال پیش بنا نهاده شده است و نام‌های قدیمی آن "خوش آیلان یا خاش آیلان" بوده و به دلیل شرایط آب‌وهوایی مناسب در فصل تابستان و خنک بودن منطقه و برف‌گیر بودن آن در زمستان و همچنین زیبایی‌های خاص منطقه، به خوش‌ییلاق معروف شده است. اهالی روستای خوش ییلاق از قوم قزلباش هستند که زبان اصلی آنها ترکی است. در روستای خوش ییلاق دو طایفه بزرگ ترک‌زبان زندگی می‌کنند که از نوادگان نوروز خان و غلام‌خان بوده‌اند، به همین مناسبت فامیلی این دو طایفه بزرگ به نام‌های نوروزی که از نوادگان نوروز خان و غلامی که از نوادگان غلام‌خان هستند، می‌باشد. این دو طایفه از ابتدای شکل‌گیری این

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۵۹

روستا تاکنون در اینجا زندگی می‌کنند. جمعیت روستای خوش بیلاق طبق آمار سرشماری سال ۱۳۹۷، ۲۰۱ نفر بوده که در قالب ۷۵ خانوار در روستا ساکن هستند. ۱۱۱ نفر از این جمعیت را زنان و ۹۰ نفر آن را مردان روستا تشکیل می‌دهند. معیشت این خانواده‌ها از طریق دامداری، کشاورزی و جمع‌آوری گیاهان دارویی تأمین می‌شود (اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان، ۱۳۹۴).



نقشه ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه در ایران و استان گلستان

روش تحقیق

جهت بررسی دانش بومی استفاده از گیاهان از مصاحبه آزاد و مشاهده مشارکتی بهره گرفته شد. اطلاعات موردنظر از طریق مصاحبه با افراد محلی که اطلاعات زیادی در زمینه گیاهان دارویی داشته جمع‌آوری شد. جمع‌آوری اطلاعات طی چهار مرحله انجام عملیات صحرائی با چندین بار بازدید صحرائی در منطقه مورد مطالعه صورت پذیرفت. در مرحله اول با ارائه پرسشنامه و مصاحبه از افراد متبحر و سالخورده محلی اقدام به تهیه لیست نام‌های محلی گونه‌های گیاهی شد که این مرحله خود به دو قسمت تقسیم شد؛ نخست اسامی محلی گونه‌ها، به صورت مشاهده مشارکتی جمع‌آوری و گونه‌های گیاهی جهت شناسایی اسامی علمی آنها از طریق عکس‌های موجود و نمونه‌های خشک‌شده به افراد محلی صورت پذیرفت. در قسمت دوم با تحقیق به روش گلوله برفی از افراد خبره در میان ساکنان منطقه شناسایی شد و به این صورت اطلاعات مدنظر از غالب افراد منطقه ثبت گردید.

در مرحله دوم از افراد خبره سؤالاتی در مورد گیاهان دارویی شناسایی‌شده و کاربرد آنها پرسیده شد که در این تحقیق خبرگان عمدتاً در زمره درمانگران سنتی، عطاران، چوپانان و مردان و زنان سالخورده منطقه بودند. در کل اطلاعات جمع‌آوری شده از گیاهان دارویی شامل نام محلی گیاهان، فرم رویشی، زمان جمع‌آوری، نحوه برداشت، خواص درمانی، اندام مفید دارویی مورد استفاده، چگونگی آماده‌سازی و سایر کاربردهای گیاه بود. لازم به ذکر است که مصاحبه‌های محقق تا جایی ادامه پیدا می‌کرد که پاسخ‌های تکراری ثبات و صحت مصاحبه را محقق می‌ساخت. در این پژوهش جمعاً با ۷۰ نفر مصاحبه شده که از این تعداد ۳۱ نفر مرد و ۳۹ نفر زن بودند. در مجموع ۴۰ مصاحبه فردی و ۴ مصاحبه جمعی (در یک تا سه نوبت در گروه‌های سه تا ۶ نفره) انجام گردید. سن مصاحبه‌شوندگان بین ۲۵ تا ۸۵ سال بود و پیرترین فرد ۸۵ سال سن داشت. در این راستا افراد به ۶ کلاس تقسیم شدند، تعداد افراد و تنوع استفاده از گیاهان نزد سالمندان نسبت به نسل جوان بیشتر بود.

یافته‌ها

نتایج تحقیق حاضر حاکی از آن است که مردم خوش‌بیلاق از دانش عمیق و گسترده‌ای پیرامون گیاهان اطراف خود برخوردارند به گونه‌ای که فرم‌های رویشی را به‌خوبی از یکدیگر بازشناخته و گونه‌هایی با فرم رویشی متفاوت را از یکدیگر تفکیک می‌نمودند. در دانش ایشان هر یک از گونه‌های علفی، بوته‌ای و درختی نام و ویژگی‌های خاص خود را داشتند. بومیان در مورد شناسایی گیاه، فرم ظاهری گیاه، زیستگاه گیاه، نیاز اکولوژیکی آن و ... آگاهی کافی داشتند. در این تحقیق دانش بومی ۳۰ گونه از گیاهان متعلق به ۱۷ خانواده آورده شده است که ۲۳ گونه آن را گیاهان علفی، ۵ گونه را گیاهان درختی و درختچه‌ای و ۲ گونه را گیاهان بوته‌ای تشکیل می‌دهند. این گونه‌ها در زمره پرمصرف‌ترین گیاهان قرار داشته چنانکه برخی از آنها دارای استفاده چندمنظوره در بین اهالی خوش‌بیلاق بودند به‌طوری‌که علاوه بر استفاده خوراکی - دارویی در ساخت ابزار، سرپناه، وسایل تزئینی، علوفه دام و تهیه عسل، نیز کاربرد داشتند که مردم منطقه نسبت به شناخت آنها کاملاً متبحر و چیره بودند و به‌طور مداوم نیز از آنها استفاده می‌کردند. جمع‌آوری گیاهان خوراکی و دارویی جهت مصرف سالیانه خانوار و فروش، از فعالیت‌های اقتصادی برخی از روستاییان منطقه بود. نام محلی و سایر خصوصیات گیاه‌شناسی گیاهان یادشده در جدول شماره ۱ آورده شده و دانش بومی روستاییان خوش‌بیلاق پیرامون برخی خصوصیات بوم‌شناختی و نحوه کاربرد هر یک از آنها در ادامه آورده شده است.

جدول ۱- گیاهان بررسی شده در مرتع خوش بیلاق و مشخصات آنها

نام محلی	نام فارسی	نام علمی	خانواده	فرم رویشی	بخش مورد استفاده	کاربرد محلی	نحوه استفاده	فصل جمع‌آوری
گلن برماقی	غازیابی	<i>Falcaria vulgaris</i> Bernh	Apiaceae	علفی یکساله	کل اندام گیاه	مقوی معده، قابض، و درمان بیماری‌های پوستی	دم‌کرده، پخته‌شده، استعمال موضعی (پودر)	بهار
یغلیک	شنگ تپه‌روی	<i>Tragopogon collinus</i> DC.	Asteraceae	علفی یکساله	تمام گیاه	درمان زخم معده، جهت از بین بردن زگیل و درمان عفونت	سبزی خام، پخته‌شده و شیره سفید	اوایل بهار
چله چوبی	موچه، ترتیزک برگ‌پهن	<i>Lepidium latifolium</i> L.	Brassicaceae	علفی یکساله	برگ	درمان بیبوست و هضم‌کننده غذا	در تهیه غذا (آش و برنج)، خشک و تازه	بهار
چرچرتی	کاسنی	<i>Cichorium intybus</i> L.	Asteraceae	علفی چند ساله	برگ و ریشه	کاهش قند خون و چربی خون، درمان یرقان و زردی نوزاد، تقویت‌کننده کبد	عرق، پخته و خام	اوایل بهار
کنگر مس	بابا آدم	<i>Arctium lappa</i> L.	Asteraceae	علفی یکساله	ساقه، ریشه، برگ و میوه	کاهش قند خون، درمان سرفه و سرماخوردگی و کاهش فشارخون	تهیه ترشی، جوشانده، دم‌کرده و پودر	تابستان
بنوشه	بنفشه معطر	<i>Viola odorata</i> L.	Violaceae	علفی چند ساله	گل، برگ و دانه	مسهل، خلط‌آور، ضدالتهاب و ضد سرفه	شربت، مربا و ضماد	بهار
کِرپ‌کَسَن	کلپوره اسپانیایی، مریم‌نخودی اسپانیایی	<i>Teucrium polium</i> L.	Lamiaceae	علفی چند ساله	سرشاخه‌های گلدار و اندام‌های هوایی	سرماخوردگی، دل‌درد و رفع اسهال، درمان دیابت	دم‌نوش، عرق، شهد گل برای تهیه عسل	اوایل بهار
ساری گول	بومادران هزار برگ	<i>Achillea millefolium</i> L.	Asteraceae	علفی چند ساله	برگ و گل	ضد اسهال، هضم‌کننده غذا و درمان معده درد	دم‌نوش	اواخر بهار
گودومال	گل ماهور اروپایی	<i>Verbascum thapsus</i> L.	Scrophulariaceae	علفی چند ساله	برگ، گل و دانه	از بین برنده عفونت، ترمیم و	دم‌نوش، برگ آن را جوشانده	اواخر بهار - اوایل

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۶۳

نام محلی	نام فارسی	نام علمی	خانواده	فرم رویشی	بخش مورد استفاده	کاربرد محلی	نحوه استفاده	فصل جمع‌آوری
						بسته شدن زخم	و خمیری از آن تهیه می‌شود برای ترمیم زخم	تابستان
کهلپک اوتی	آویشن	Thymus Kotschyanus Bioss. & Hohen	Lamiaceae	علفی چند ساله	برگ و سرشاخه‌های گلدار	برطرف‌کننده نفخ، التهاب مجاری تنفسی، امراض روده و معده	دمنوش، عرق، پودی	اواخر بهار
اوقلاق	گون خاردار	Astragalus verus Olivier.	Fabaceae	بوته‌ای چند ساله	گل، صمغ	از کثیرا جهت درمان دندان‌درد	صمغ محلول در آب، جوشانده	اوایل تابستان
آنخ	کاکوتی، کوهی، مشک طرامشک	Ziziphora clinopodioides Lam	Lamiaceae	علفی چند ساله	برگ و گل	ضدسرفه، ضدالتهاب، درمان اسهال و دل‌پیچه، جلوگیری از بیماری‌های خونریزی بینی، درمان گوارشی	دمنوش، معطر کننده غذا، ادویه غذا و برگ‌های خشک‌شده و خرد شده در دوغ	اواخر بهار
گزنه، گزو	گزنه دوپایه	Urtica dioica L.	Urticaceae	علفی چند ساله	برگ و سرشاخه‌های گلدار	ضد دیابت، درد سینه، ناراحتی‌های زنانه، ناراحت‌های پوستی و بواسیر	در تهیه آش، به صورت خشک‌شده و جوشانده	بهار
شیرین بویان یا پلک	شیرین بیان	Glycyrrhiza glabra L.	Fabaceae	علفی چند ساله	ریشه	درمان معده درد، دل‌درد، گلودرد، سرماخوردگی	دمنوش، پودی، استفاده در کشک و قره‌قوروت	پاییز
زرگیش	زرشک زرافشانی	Berberis integerrima Bunge	Berberidaceae	درختچه، چند ساله	برگ، میوه، ریشه و پوست	ضدالتهاب، کاهش فشارخون و پایین آورنده چربی خون	آب‌زرشک، شربت، مربا و پلو	اوایل تابستان
تنگیس	سیاه تنگرس شیروانی	Rhamnus pallasii Fisch. & Mey	Rhamnaceae	درختچه‌ای چند ساله	میوه، چوب، پوست، زرد	درمان چربی خون، دیابت، التهاب پروستات و سنگ کلیه	جوشانده و ضماد	بهار

۱۶۴ دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، سال پنجم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸

نام محلی	نام فارسی	نام علمی	خانواده	فرم رویشی	بخش مورد استفاده	کاربرد محلی	نحوه استفاده	فصل جمع‌آوری
آرداش	پیرو - اریس	<i>Juniperus communis</i> L.	Cupressaceae	درختی چند ساله	میوه و چوب	تقویت معده، ضد نفخ، ادرار آور و ضد عفونی کننده و درمان روماتیسم	به صورت عرق، جویدن میوه و میوه کوبیده شده را در آب حل می‌کنند و میل می‌کنند.	همیشه سبز
گندیس	ازگیل	<i>Mespilus germanica</i> L.	Rosaceae	درختی چند ساله	برگ، دانه، ساقه‌های تازه و ریشه	درمان ورم گلو، درمان آفت دهان، تب بر	جوشانده، میوه خام، شربت و رب	تابستان
سُپ	ترشک البرزی	<i>Rumex elbursensis</i> Boiss	Polygonaceae	علفی چند ساله	برگ و ساقه	خواص اشتها آور، تصفیه کننده خون، هضم کننده غذا و ادرار آور	در پخت نان، آش دوغ، جوشانده، ضماد و سبزی خوردن	بهار
خک شیر	خاکشیر ایرانی	<i>Descurainia Sophia</i> Webb ex prantl (L.)	Brassicaceae	علفی یکساله	دانه	ادرار آور، تب بر، التیام دهنده زخم، رفع التهاب کلیه، خنک کننده، برطرف کردن جوش‌های صورت، تسکین گلودرد و ملین	شربت	واسط بهار
یوشان	درمنه کوهی	<i>Artemisia aucheri</i> Boiss.	Asteraceae	بوته‌ای چند ساله	برگ	ادرار آور، تب بر، التیام دهنده زخم، رفع التهاب کلیه، خنک کننده، برطرف کردن جوش‌های صورت، تسکین گلودرد و ملین	خشک شده، خام برگ‌های تر آن را کوبانده و در کرب دندان قرار می‌دهند.	بهار
گرخ	خار پنبه ناجورخار	<i>Onopordum heteracanthum</i> C.A.Mey.	Lamiaceae	علفی یکساله	میوه، ریشه، برگ و ساقه	زخم کچلی، درمان تب، رفع معده درد و بیماری کبدی	جوشانده، خشک شده، ضماد	بهار
قاراقورنه	گوش بره	<i>Phlomis cancellata</i> Bunge	Lamiaceae	علفی چند ساله	برگ و	رفع شوره و	خام، علفه‌ای	بهار -

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۶۵

نام محلی	نام فارسی	نام علمی	خانواده	فرم رویشی	بخش مورد استفاده	کاربرد محلی	نحوه استفاده	فصل جمع‌آوری
	شاه‌رودی، گوش بره سفید			ساله	سرشاخه‌های گلدار	شپش سر، ضد تهوع، درمان دیابت	جوشانده	تابستان
آقوت	سنبله‌ای ارغوانی، سنبله‌ای بادکنکی	<i>Stachys inflata</i> Benth.	Lamiaceae	علفی چند ساله	برگ و سرشاخه‌های گلدار	سرماخوردگی، التهابات گلو، درمان جراحات‌های پوستی، آرام‌بخش و پایین آورنده فشارخون	جوشانده، خشک‌شده و برگ تازه	بهار
پامیل	چای کوهی	<i>Stachys annua</i> (L)	Lamiaceae	علفی یکساله	برگ و گل	رفع سرماخوردگی، خواب راحت	خشک‌شده، جوشانده	بهار - زمستان
سیقر دله	گاوبیان آسا	<i>Caccinia macranthera</i> Banks & Brand (Sol)	Boraginaceae	علفی یکساله	سرشاخه‌های گلدار و ریشه	ضد سرفه، آرام‌بخش و ضد درد	ضماد، دمنوش	اواخر بهار
ایسفنند	اسپند	<i>Peganum harmala</i> L.	Zygophyllaceae	علفی یکساله	برگ و سرشاخه‌های گلدار، بذر	درمان معده درد و ترش کردن، ضد عفونی کننده	دود کردن	اواسط تابستان
میخنگ	قرنفل	<i>Dianthus caryophyllus</i> L.	Caryophyllaceae	علفی یکساله	دانه	مسکن دندان‌درد و سردرد، تقویت‌کننده کبد و کلیه، اشتهاآور و تب بر	هم خود میخک و هم آب میخک را در کرپ دندان قرار می‌دهند، جوشانده	-
خیتمی گوله	ختمی صورتی	<i>Alcea rosea</i> L.	Malvaceae	علفی یکساله	گل	رفع مشکلات تنفسی و گوارشی، رفع التهاب دهان و حلق، ضد سرفه	جوشانده، دمنوش	اوایل تابستان
گینه	چوبک زبر	<i>Acantophyllum squarrosum</i> Boiss.	Caryophyllaceae	بوته‌ای چند ساله	ریشه‌های سخت و استخوانی	ریشه گیاه عطسه‌آور و سسکه را کاهش می‌دهد	شستشوی البسه و حلوا سازی	بهار - تابستان

دانش بومی پیرامون برخی از خصوصیات بوم‌شناختی و نحوه کاربرد گیاهان

گیاهان خوراکی - دارویی

گلین برماقی (*Galen bermaqi*):^۱

گیاهی علفی و یکساله است که در مزارع کشاورزی و باغات رشد می‌کند. اسم این گیاه از کلمه گلین به معنای عروس و برماقی به معنای ناخن گرفته شده است، زیرا برگ گلین برماقی بسیار شبیه به ناخن عروس یا دست عروس می‌باشد. به گفته بومیان این گیاه دارای روغنی در برگ خود می‌باشد که عروس‌های قدیم جهت کشیده و بلند شدن ناخن‌هایشان روغن این گیاه را می‌گرفتند و از آن استفاده می‌کردند. این گیاه را معمولاً از اواخر فروردین تا اواسط تابستان در منطقه می‌توان یافت. این گیاه کنار یمیلک می‌روید و بهترین زمان برای برداشت آن ابتدای دوره رویشی می‌باشد. گلین برماقی گیاهی خوراکی است و طبعی سرد و طعمی شیرینی دارد. زنان روستایی پس از برداشت، آن را به صورت سبزی خوراکی و یا سرخ‌شده به‌عنوان یک وعده غذایی کامل و مقوی مصرف می‌کنند.

یمیلک یا سنگه شیره (*yemlik*):

در معرفی این گیاه بومیان اظهار داشتند علفی است که بر روی برگ‌های آن نوار باریک و سفیدی وجود دارد. همانند چله‌چوبی و گلن برماقی اطراف بولاغ‌ها و زمین‌های زراعی یافت می‌شود. زمانی که این گیاه چیده می‌شود از پشت آن شیرابه سفیدرنگی به بیرون تراوش می‌کند که به گفته بومیان افرادی که دست یا هر قسمت از بدنشان دارای زگیل می‌باشد این شیرابه به بهبود آن کمک می‌کند. در اوایل بهار می‌روید و تا اواخر بهار همچنان دیده می‌شود ولی به گفته بومیان اواخر بهار این گیاه پیر می‌شود. افراد محلی منطقه از قدیم شعری در مورد این گیاه می‌سرودند که اکنون بین نسل‌های جدید این منطقه نیز رواج دارد: «سنگه شیره گول ادمیش فلانی ارن ویل

1. *Falcaria vulgaris* Bernh.

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۶۷

ادمیش» این گیاه علاوه بر مصرف خوراکی برای افراد منطقه دارای خاصیت درمانی و درمان زخم معده، کاربرد داشته و جهت از بین بردن زگیل و درمان عفونت نیز مفید می‌باشد.

چله‌چویی (Čaleh: čupi):

گیاهی علفی و یکساله است، فصل رویش آن بهار می‌باشد و به اذعان بومیان در اراضی کشاورزی، اطراف باغات و جوی‌ها دیده می‌شود که نشان از آن دارد که گیاه رطوبت‌دوست است. در خردادماه به گل می‌نشیند یا به اصطلاح روستاییان منطقه نر می‌کند. چله‌چویی در کنار گیاهان گل‌برماقی و میمک دیده شده و از آن استفاده خوراکی و دارویی می‌شود. برگ‌های این گیاه را هم به صورت تازه و هم خشک شده، در تهیه آش و دم‌پخت استفاده می‌کنند. سال‌خوردگان منطقه اذعان داشتند زمانی که ساقه و برگ این گیاه هنوز تازه است فقط قابل استفاده خوراکی می‌باشد، بعد از آن یعنی از ماه اردیبهشت به بعد دیگر ارزش علوفه‌ای پیدا می‌کند، پس روستاییان در اوایل فصل بهار به صورت دسته‌جمعی به چیدن این گیاه می‌روند. بومیان منطقه بیان می‌کردند که گل‌های چله‌چویی در تهیه غذا استفاده نمی‌شود چون غذا را چغَل (چسبناک) می‌کند، از خاصیت دارویی چله‌چویی می‌توان به درمان یبوست و هضم‌کننده غذا اشاره کرد.

چرچرتی (Čerčerti):^۱

ساکنان خوش‌بیلاق این گیاه را از نوع علفی می‌دانند که در اوایل بهار بیشتر در سولویر^۲ و چمنلی‌یر^۳ دیده می‌شود، برگ آن بسیار تلخ است، جهت استفاده ابتدا آن را جوشانده، آب آن را جهت مضارف دیگر جدا می‌کنند اما تَفاله باقی مانده که همان گیاه پخته‌شده می‌باشد را گوموز^۴ کرده تا به اصطلاح از حالت آچی یا زَلَقو^۱ به حالت شیرین^۲

1. *Cichorium intybus* L.

۲- به زمین‌های مرطوب و آبی اطلاق می‌شد.

۳- زمین‌های چمنزار

۴. گیاه را با دست چنگ می‌کردند و آن را فشار می‌دادند تا آب آن خارج شود و حالت چانه به خود بگیرد.

تبدیل گردد، بعد از این گوموزه‌های گیاه را با ماست مخلوط کرده که اصطلاحاً به آن جاجق^۳ می‌گویند مورد مصرف قرار می‌دهند. کاسنی به‌تنهایی یا همراه با ماست هم به‌عنوان غذا استفاده می‌شود و آب کاسنی هم به‌عنوان دارویی برای تعدیل فشارخون، کاهش چربی خون، قندخون، کاهش زردی یا یرقان نوزاد و همچنین تقویت‌کننده کبد نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در فصل تابستان نیمه‌های مرداد که کاسنی به گل نشست آن را مجدداً می‌چینند و آماده عرق‌گیری می‌شود که از عرق کاسنی هم شربت تهیه می‌شد. بومیان منطقه همچنین اذعان داشتند که چون طبع کاسنی سرد است زنی که باردار باشد و بچه او پسر باشد چون بدنش حالت گرمی و حرارت دارد از عرق کاسنی جهت رفع حرارت بدن استفاده می‌کردند.

کنگرمس^۴ (kangarmas):

گیاهی علفی و یکساله است، در جنگل‌ها، کنار جاده‌ها و جاهای مرطوب و خشک، دیده می‌شود، فصل بهار رشد می‌کند و تیرماه برداشت می‌شود. بومیان منطقه اذعان داشتند کنگرمس هر چه بیشتر آب بخورد و جای آن مرطوب‌تر باشد تیزتر یا به اصطلاح گزنده‌تر می‌شود، بنابراین هرچه خشک‌تر باشد و آب کمتری به آن برسد گزش آن کمتر است، بومیان بر این باور بودند که «گر گیاه کنگرمس بدن را نیش بزند حکم دارو داره» مردم محلی پوست ساقه آن را جدا می‌کردند و به‌صورت خام مصرف می‌کردند، طعمی شیرین دارد. محلی‌ها بیان می‌کردند که کنگرمس دو نوع است یکی برگ‌هایش پهن می‌شود و دیگری باریک‌تر می‌شود، همچنین سالخوردگان منطقه بیان داشتند که از کنگرمسی که گل نمی‌دهد استفاده خوراکی می‌شود و آن نوع از کنگرمس که گل می‌دهد، گل‌های آن بنفش‌رنگ است، قپه مانند می‌باشد و مثل گیره به پشم

۱. طعم تلخ

۲. طعم شیرین

۳. مخلوط کاسنی با ماست

گوسفندان و لباس می‌چسبد. سالخوردگان منطقه بیان می‌کردند که در گذشته برگ گنگرمس را در شالی می‌ریختند تا بذره‌های شالی گرم شود و جوانه بزند، همچنین به‌جای روزنامه برگ گنگرمس را در فصل آلبالو چینی بر روی سبدهای آلبالو قرار می‌دهند تا آلبالوها نریزند، روستاییان منطقه علاوه بر استفاده خوراکی از ساقه گنگرمس از آن ترشی نیز تهیه می‌کردند، طبیبان محلی گنگرمس را برای کاهش قندخون، درمان سرفه، سرماخوردگی و کاهش فشارخون تجویز می‌کردند.

بنوشه^۱ (*bānošh*):

گیاهی علفی و چندساله است، در جنگل‌ها و مراتع به‌ویژه پای کوه‌ها دیده می‌شود، در فصل بهار رشد می‌کند و نیمه‌های اردیبهشت به گل می‌نشیند، که گل‌های آن بنفش‌رنگ می‌باشد، بر سطح زمین پخش می‌شود و ریشه می‌دواند، دارای برگ‌های سبز و قلبی شکل بوده، از برگ و گل‌های این گیاه استفاده می‌شود، گل‌ها را پس از چیدن در زیر آفتاب خشک می‌کنند، از جوشانده گل بنوشه به‌عنوان، مسهل، خلط‌آور، ضدالتهاب و ضد سرفه استفاده می‌کنند، برگ‌های آن را در غذا می‌ریزند، زیر درخت کُنْدُس و ازگیل دیده می‌شود. سالخوردگان منطقه داستانی در زمینه بنوشه بیان کردند که در این داستان بنوشه را به نام اصلی خان و درختان کُنْدُس و ازگیل را به نام کرم می‌شناختند، اصلی (بنوشه)، نامزد کرم (ازگیل و کُنْدُس) بوده، مادر اصلی از این ماجرا ناراضی بوده که دختر خود را به کرم بدهد، به همین دلیل دکمه‌های لباس اصلی را طلسم می‌کند، وقتی کرم در پی باز کردن دکمه‌های لباس اصلی بوده، یک‌دفعه لباس اصلی آتش می‌گیرد و هردوی آنها می‌سوزند، مادر اصلی خاکستر هر دو را بیرون می‌ریزد، کرم به‌عنوان سایبانی برای محافظت از اصلی باقی می‌ماند، استعاره از اینکه گل بنوشه برای همیشه زیر درخت کُنْدُس و ازگیل (کرم) رشد می‌کند.

کِرپ‌کَسَن^۱ (*kerpkasan*):

این گیاه به صورت بوته‌ای است، ارتفاع آن به ده سانتی‌متر می‌رسد، در کمر کوه دیده می‌شود، پرزهای سفیدرنگی روی برگ‌های آن را پوشانده، در اوایل بهار گل می‌دهد و گل‌های آن سفید و گرد است در اواسط پاییز کل بوته خشک می‌شود، همانند ساری‌گول درو می‌شود، از تمام قسمت‌های این گیاه استفاده دارویی می‌شود چون این گیاه طعمی تلخ و زهر مانند دارد، پس از یک‌بار جوشاندن آب آن را دور می‌ریزند و مجدداً آن را می‌جوشانند و با نبات شیرین می‌کنند. باور عمومی سالخوردگان منطقه بر این است که جوشانده این گیاه به شدت مرض قند و چربی‌خون را کاهش می‌دهد همچنین در درمان سرماخوردگی، دل‌پیچه و دل‌درد مفید می‌باشد و هم به صورت تازه و هم خشک‌شده آن را استفاده می‌کنند، بومیان منطقه از این گیاه جهت از بین بردن موش و بید نیز استفاده می‌کردند بدین صورت که دسته‌هایی از گیاه را لابه‌لای لباس و قالی‌های دست‌بافت و رخت خواب‌هایشان قرار می‌دادند تا از حشرات موزی در امان باشند.

ساری‌گول (*Sāry:gul*):

گیاهی علفی و چندساله با گل‌های زردرنگ که در فصل بهار می‌روید و در اردیبهشت‌ماه پس از به گل نشستن برداشت می‌شود. بیشتر در اراضی اطراف روستاها، کنار جاده‌ها، کمرکوه و دشت‌ها رویش دارد. مردم محلی گل این گیاه را جمع‌آوری کرده و سپس به صورت دسته‌ای و آویزان خشک می‌کنند. به گفته ایشان فقط از گل و برگ این گیاه استفاده می‌شود به طوری که آن را پس از پودر کردن در ظرف‌های شیشه‌ای یا پلاستیکی برای سایر فصول سال ذخیره می‌کنند. ساری‌گول طعمی تلخ و طبعی گرم دارد. افرادی که میل به خوردن غذا ندارند پودر شده گیاه ساری‌گول را به اندازه یک قاشق مرباخوری کف دست ریخته و میل می‌کنند. این گیاه هم به عنوان

1. *Teucrium polium* L.

اشتهاآور و هم هضم‌کننده غذا نزد بومیان منطقه به شمار می‌رود. به گفته درمانگران محلی و زنان سالخورده، گل ساری‌گول دارای خاصیت ضداسهال و ضدنفخ بوده و برای رفع دل‌پیچه و حالت تهوع به کار می‌رود. ایشان پودر گل این گیاه ا کاهنده چربی خون بالا می‌دانستند، به این صورت که فرد بیمار یک قاشق چای‌خوری از پودر را در دهان گذاشته و بلافاصله پس از آن آب بنوشد. افراد منطقه معتقد بودند ساری‌گول اغلب همراه با گودومال دیده می‌شود.

گودومال^۱ (*godumāl*):

گیاهی علفی و پایا است که در دشت‌های کم‌شیب و اطراف جاده‌ها رشد می‌کند. روستاییان در خردادماه و تیرماه گل این گیاه را برداشت می‌کنند. طبیبان محلی از این گیاه خمیری درست کرده بدین‌صورت که گیاه را همراه با آب در ظرفی قرار می‌دادند، پس از جوشاندن، سرانجام آب گیاه جوشانده شده را با مقداری آرد مخلوط می‌کردند و آن را لابلای دستمالی قرار می‌دادند، افرادی که دچار جراحت شده بودند بر روی قسمت زخمی شده می‌بستند، زیرا به گفته درمانگران محلی گودومال بهترین دوا جهت جوش خوردن زخم و از بین بردن عفونت ناشی از آن است، علاوه بر آن از گودومال جهت بخور و همچنین جهت تعلیف گاو و گوسفند نیز استفاده می‌شد.

کهلک‌اوتی (*kahlik:oty*)^۲:

گیاهی بوته‌ای است که سرشاخه‌های جوان آن در اواخر فروردین‌ماه لابه‌لای نخته‌سنگ‌ها و کمرکوه می‌روید، در اواخر بهار به گل می‌نشیند و همراه با اوقلاق و گودومال دیده می‌شود. افراد محلی این گیاه را به یونجه تشبیه کرده و می‌گویند: شبیه یونجه برگ‌هایش روی زمین پخش می‌شود. علت نام‌گذاری این گیاه نزد بومیان به این دلیل می‌باشد کهلک در زبان ترکی به معنای کبک و اوت به معنای علف می‌باشد. به گفته بومیان چون کبک بیشتر در زیر بوته‌های این گیاه لانه درست می‌کند، این گیاه به

1. Verbascum Thapsus L.
2. Thymus Kotschyanus Bross. & Hohen

نام علف کبک نام‌گذاری شده است. بومیان این گیاه را در اردیبهشت‌ماه و قبل از گلدهی جمع‌آوری می‌کنند زیرا معتقدند که بعد از گلدهی خاصیت آن کاهش پیدا می‌کند. اندام مورد استفاده این گیاه برگ آن است که دارای مصارف متعدد دارویی می‌باشد. روستاییان پس از برداشت این گیاه آن را در ظرف یا به روی یک سفره به‌دوراز نور مستقیم خورشید پهن کرده و پس از خشک شدن کامل آن را آسیاب کرده و به‌صورت پودر درمی‌آورند. کهلیک/وتی دارای طبع گرم است و محلی‌ها آن را گیاهی ضد عفونی‌کننده می‌دانند و از دم‌کرده آن برای درمان نفخ و التهاب گلو استفاده می‌کنند. درمانگران محلی نیز آن را برای امراض روده و معده و رفع حالت تهوع توصیه می‌کنند؛ همچنین زنان روستایی از کهلیک/وتی به‌عنوان طعم‌دهنده و معطرکننده انواع غذاها، دوغ و ماست استفاده می‌کنند.

اوقلاق^۱ (oqlāq):

گیاهی بوته‌ای، پایا و خاردار است که در مناطق مرتفع، صخره‌ای و پشت تپه‌ها رشد می‌کند. دارای گل‌های ریز بنفش‌رنگ می‌باشد، مردم محلی از گل‌های اوقلاق و ساری‌گول دمنوش تهیه کرده و گهگاه به‌عنوان جایگزین چای استفاده می‌کنند. به بیان بومیان این گیاه همیشه در منطقه بوده و عسل خوبی نیز می‌دهد. چوپانان همچنین بوته‌های خشکیده آن را به‌عنوان هیزم مورد استفاده قرار داده و از آن جهت ایجاد سایبان در سقف کپر استفاده می‌کنند. کف آغل را نیز از این گیاه پر می‌کنند تا بصورت مستمر خشک بماند. به گفته زنان روستایی در زمان‌های قدیم برای پخت نان از هیزم آن استفاده کرده و معتقد بودند که این گیاه آتش تیزی دارد و هیزمش باعث بو گرفتن نان نمی‌شود. از این گیاه کتیرا گرفته می‌شود. جوانان در اواخر خرداد و اوایل تیر جهت برش زدن ساقه اوقلاق به مراتع می‌روند و به مدت ۲ تا ۳ ماه، هر ۳ تا ۴ روز یکبار برای گرفتن کتیرا به صحرا می‌روند. اغلب مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌داشتند کتیرا تأثیر فوق‌العاده‌ای در بهبود دندان‌درد دارد.

آنخ (*ānox*):^۱

آنخ یکی از گیاهان پرمصرف در بین اهالی منطقه مورد مطالعه بود، به لحاظ طعم همانند آویشن است، گیاهی علفی و یکساله است که در دامنه‌های سنگلاخی و کم‌شیب رشد می‌کند. در خردادماه به گل می‌نشیند و سرشاخه‌های گلدار آن جمع‌آوری می‌شود. همچون کهلک اوتی دارای بوی مطبوعی است. مردم بومی آنخ را به‌عنوان گیاهی ضدگرما می‌دانند. دم‌کرده آن سرفه را رفع می‌کند و برای جلوگیری از گرمزدگی توسط چوپانان و کشاورزان در صحرا استفاده می‌شود. پس از برداشت، آن را در ظروف حصیری یا سفره در زیر آفتاب، البته به‌دوراز نور مستقیم خورشید طوری که حرارت خورشید را دریافت کند قرار می‌دهند تا خشک شود، سپس آن را در کیسه‌های پارچه‌ای برای مصرف زمستانه ذخیره می‌کنند. از جوشانده آن جهت درمان دل‌پیچه، اسهال و جلوگیری از خون‌ریزی استفاده می‌کنند. همچنین برگ، گل و سرشاخه‌های هوایی این گیاه را در هاون^۲ پودر کرده همانند آویشن به‌عنوان طعم‌دهنده بر روی لبنیات از جمله دوغ، ماست و کشک استفاده می‌کردند، اغلب چوپانان جهت خوشبو و خوش طعم کردن چای در ظرف چایشان تعدادی برگ آنخ نیز موجود بود.

گزنه، گزوه^۳ (*gezneh*):

گیاهی علفی و چند ساله است، کناره‌های برگ دنداندار، فصل بهار در کنار جوی‌ها و باغات، چشمه‌ها و جاهایی که رطوبت بیشتری دارد رشد بیشتری دارد. فصل بهار نیز برداشت می‌شود، برای جمع‌آوری این گیاه حتماً باید از دستکش استفاده کرد زیرا بنا به گفته روستاییان منطقه ساقه و برگ گزنه گزنده است، اگر به دست یا بدن برخورد کند دچار خارش و تاول می‌شود، روستاییان از برگ‌های تازه گزنه نوعی آش تهیه می‌کردند، روستاییان گزنه را در زیر آفتاب البته به‌دوراز نور مستقیم خورشید،

1. *Ziziphora clinopodioides* Lam.

۲- ظرفی آهنی که دارای یک دسته بوده گیاهان خشک‌شده را در آن می‌ریختند و می‌کوبیدند.

3. *Urtica dioica* L.

خشک می‌کردند - چون به گفته سالخوردگان اگر زیر نور مستقیم باشد سیاه می‌شود - و در فصول دیگری از سال که این گیاه در دسترس نمی‌باشد استفاده می‌کردند، طیبیان محلی گزته را برای درمان دیابت، درد سینه، ناراحتی‌های زنانه، ناراحتی‌های پوستی و بواسیر مفید می‌دانستند همچنین این گیاه به‌عنوان علوفه برای گاو و گوسفندان نیز استفاده می‌شد.

شیرین‌بویان^۱ (*šyryn:boyān*):

گیاهی علفی و چند ساله می‌باشد که اطراف باغات و مزارع کشاورزی و کنار جوی‌ها رشد می‌کند. با آغاز فصل بهار رشد آن شروع شده در فصل اردیبهشت به‌صورت کم تراکم در منطقه دیده می‌شود و تا پاییز ادامه دارد. ریشه شیرین‌بویان را پاییز از خاک درمی‌آورند. برگ آن در مردادماه برداشت شده و جهت تعلیف گاو و گوسفند نیز به مصرف می‌رسد. به گفته بومیان منطقه «باید زمینو بکنی تا گیاه رو از یقه در بیاری» ریشه شیرین بویان دارای طعمی شیرین‌مزه می‌باشد، پس از خشک‌کردن و پودر کردن ریشه از شیرینی آن در قارا قروت و همچنین از پودر ریشه آن هم به‌عنوان طعم‌دهنده و هم به‌عنوان شکر، استفاده می‌کنند. از جوشانده ریشه شیرین‌بویان برای درمان سرماخوردگی و گلودرد نیز استفاده می‌شود. بومیان از مخلوط پودر ریشه شیرین بویان و ساری‌گول جهت درمان معده درد نیز بهره می‌برند.

زرگیش^۲ (*zergyš*):

روستایان زرگیش را درختچه‌ای تیکان‌دار (خاردار) و چند ساله می‌دانند، برگ‌های زرگیش در اواخر اسفندماه از کنار گیاهان خاردار سبز می‌شود. میوه آن در اواسط خردادماه ظاهر می‌شود، ابتدا سبز، سپس صورتی و سرانجام به رنگ قرمز درمی‌آید. به اذعان بومیان زرگیش در خاک‌های آهکی، سنگ و سنگریزه دار و رسی رشد می‌کند. زرگیش را می‌توان در جاهای صخره‌ای یافت، چوپانان منطقه بیان داشتند

1. *Glycyrrhiza glabra* L.
2. *Berberis integerrima* Bunge.

که فصل پاییز برگ‌های زرگیش رنگ قرمز زیبایی را، به داغلاز و مراتع می‌بخشد. روستاییان اذعان می‌داشتند چوب زرگیش زردرنگ است، افرادی که از شهرها به مراتع ما می‌آیند، آن را جهت استفاده در صنایع خاتم‌کاری با خود به شهرستان‌هایشان می‌برند و در ساخت وسایل تزئینی استفاده می‌کنند. زنان سالخورده از چوب زرگیش جهت رنگ کردن پشم گوسفندان برای قالی‌بافی استفاده می‌کردند؛ همچنین مردم منطقه از برگ، میوه، ریشه و پوست زرگیش استفاده می‌کردند چنانکه میوه‌های آن را پس از جمع‌آوری خشک می‌کردند یا به صورت تازه در تهیه زرگیش پلو، مربا زرگیش، شربت و آب زرگیش و دیگر خوراکی‌ها استفاده می‌کردند، طبیبان محلی زرگیش را کاهنده فشار و چربی خون و همچنین آب آن را جهت تصفیه خون مفید می‌دانستند.

تنگیس^۱ (*tengis*):

تنگیس در دانش بومی افراد خوش‌بیلاق، گیاهی با فرم رویشی درختی و چندساله می‌باشد، که از همه قسمت‌های میوه نارس، میوه رسیده، مغز میوه، چوب، پوست و صمغ آن استفاده می‌شود. به گفته چوپانان خبره تنگیس در ارتفاعات، بیشتر دیده شده و بصورت کم‌تراکم در کمر و ارتفاعات پایین‌تر دیده می‌شود. روستاییان سرشاخه‌های تنگیس‌هایی که در ارتفاعات پایین‌تر وجود دارند را جهت ایجاد کپر و آغل گوسفندان خود می‌زنند اما آنهایی که در ارتفاعات بالاتر وجود دارد نگه‌داشته می‌شوند. تنگیس در اول بهار برگ می‌زند و سبز می‌شود، اول برگ می‌دهد و اواخر فروردین میوه آن بر روی درخت ظاهر می‌شود، در جاهای سرد همراه با گیاه آرداش دیده می‌شود. بومیان می‌گویند: از راه‌های شناخت درختان، چوب آنها می‌باشد، چوب تنگیس خاردار و سرخ است. پرندگان جهت محافظت از خود لانه خود را بین شاخ و برگ خاردار تنگیس می‌سازند تا کسی به لانه آنها دست نزند، سالخوردگان از چوب تنگیس عصا می‌سازند زیرا معتقدند، بسیار محکم، مرغوب و خوش‌دست است، روستاییان منطقه

جهت پخت نان، دوغ و قَرَه‌قروت از هیزم تنگیس نیز استفاده می‌کنند، زیرا اذعان می‌دارند که این گیاه سوخت خوبی دارد، اواخر اردیبهشت تا اوایل خرداد چوپانان و زنانی که جهت جمع‌آوری هیزم به صحرا می‌روند میوه تنگیس را که تُرد، ترش و آبدار است را جمع‌آوری می‌کنند و به‌عنوان تنقلات و خوراکی به خانه‌هایشان می‌برند، اما اواخر برج چهار (تیرماه) اقدام به جمع‌آوری میوه رسیده تنگیس می‌کنند، علامت رسیدگی تنگیس این است که، پوست رویی که گوشتی و آبدار بود ترک برمی‌دارد و شروع به باز شدن می‌کند که طعم آن گس و کمی تلخ است میوه رسیده تنگیس را بعد از شیرین کردن و جوشاندن در آب‌نمک، زمانی که طعم گس آن گرفته شد، به‌عنوان خوراکی و تنقلات در آجیل‌های خود استفاده می‌کنند که طعمی بسیار خوشمزه و تُرد دارد. روستاییان منطقه شیرابه‌ای که از درخت تنگیس بیرون می‌زند را ژدو می‌نامند و پس از بیرون زدن از تنه درخت آن را جمع‌آوری می‌کنند. ژدوی تنگیس را برای درمان دندان‌درد استفاده نموده و همچنین از آن در ساخت وسایل تزئینی نیز استفاده می‌کنند. جوشانده پوست تنگیس را در درمان عفونت‌های داخلی مفید می‌دانستند؛ همچنین زنان سالخورده خواصی را برای آن ذکر می‌نمودند که از آن جمله می‌توان به درمان قند و چربی خون و دفع سنگ کلیه اشاره کرد.

آرداش^۱ (*ārdāš*):

فرم‌رویشی آن درختی است، چند ساله و همیشه‌سبز بوده و به گفته اهالی منطقه در قسمت‌های صخره‌ای بیشتر دیده می‌شود. به قول بومیان این گیاه نشان‌دهنده خط برف است چراکه اغلب در قسمت‌های مرتفع کوه، جایی که برفگیر است حضور بیشتری دارد. چوب آن به دلیل چرب بودن در آب نمی‌پوسد و برای ساخت وسایل خانه استفاده می‌شود. اغلب ابزارهایی که جهت پختن نان توسط مردم محلی استفاده می‌شد مثل ازون خانچه^۲ و تواق^۱ از چوب آرداش تهیه می‌گردد. از چوب آرداش همچنین در

1. *Juniperus communis* L.

۲. ظرفی که چانه‌های خمیر را در آن قرار می‌دادند.

ساخت صندلی، ساخت ابزار کشاورزی و داراق^۲ نیز استفاده می‌شد. همچنین چوپانان و سالخورده‌گان محلی اذعان می‌نمودند که چوب آرداش در گذشته که تعداد آن بیشتر بود استفاده می‌شد، ولی هم‌اکنون به دلیل کاهش آن بهره‌برداری نمی‌شود. لازم به ذکر است که به دلیل شبیه بودن میوه‌های این درخت به سنگ، بومیان منطقه آن را آرداش می‌نامیدند چراکه داش در زبان ترکی به معنای سنگ می‌باشد. آرداش همراه با زرشک، کُنْدَس و ازگیل دیده می‌شود، چوپانان منطقه بیان می‌کردند که در فصل زمستان برگ‌های آرداش را بزها می‌خورند، بومیان منطقه دختران دم‌بخت و قدبلند را به آرداش و نارون تشبیه می‌کردند، همچنین طبیبان محلی جوشانده میوه آرداش را به عنوان تقویت معده، ضد نفخ، ادرارآور، ضد عفونی‌کننده و درمان روماتیسم توصیه می‌کردند.

کُنْدَس^۳ (kondus):

کُنْدَس گیاهی است با فرم رویشی درختی که در مکان‌های نورگیر و خاک‌های مرطوب، سبک و شنی نیز رشد می‌کند. به‌ندرت در کنار باغ‌ها و حیاط خانه روستاییان نیز دیده می‌شود، میوه کُنْدَس بسیار سخت و ترش است تا زمانی که خوب رسیده نشود قابل خوردن نیست. گوشت آن پس از رسیدن از رنگ سفید به قهوه‌ای تغییر می‌یابد و کاملاً نرم و شیرین می‌شود و مردم محلی رسیده آن را به خرما تشبیه می‌کردند. کُنْدَس به‌صورت خام به‌عنوان میوه‌ای لذیذ، مطبوع و تقویت‌کننده مصرف می‌شد؛ همچنین از آن شربت و رب کُنْدَس نیز درست می‌کنند که به‌عنوان یک طعم‌دهنده بجای رب انار در بسیاری از غذاها استفاده می‌شود. زنان روستایی پس از خوردن میوه کُنْدَس دانه‌های بزرگ و طلایی رنگ آن را جدا نموده و در ساخت قاب، گردن‌بند برای کودکان و وسایل تزئینی استفاده می‌نمودند. رب کُنْدَس بسیار ترش مزه است به‌طوری‌که بومیان منطقه بیان می‌کردند اگر در خوردن آن زیاده‌روی شود

۱. ظرفی که روستائیان در آن خمیر درست می‌کردند.

۲. اصطلاحاً شانه‌ای که پشم گوسفندان را با آن‌ها می‌ریسند و تبدیل به نخ می‌کردند.

3. *Mespilus germanica* L.

به سرعت موجب آفت فشارخون می‌گردد. بجز استفاده‌های خوراکی آن را برای آفت دهان پیشنهاد می‌کردند به طوری که روزی دو الی سه بار افرادی که دچار آفت دهان می‌شوند می‌بایست رب را بر روی آفت نگهدارند سپس آب دهانشان را بیرون بریزند که این امر به بهبود آفت دهان کمک می‌کند. از دیگر خواص دارویی جوشانده ساقه تازه، میوه و برگ کنکس نزد روستاییان می‌توان به درمان ورم گلو و تب‌بر بودن آن اشاره کرد.

سُلپ^۱ (*solup*):

بومیان این گیاه را در زمهره گیاهان علفی و چند ساله می‌دانستند. به گفته مردم منطقه این گیاه از طریق تخم‌ریزی^۲ در سال بعد مجدداً رویش می‌کند، طعم گیاه‌ترش مزه بوده و طبعی سرد دارد، سُلپ ارزش خوراکی و دارویی دارد، به صورت خودرو، در کوه‌ها و اراضی کشاورزی، باغات و حتی حیاط خانه در فصل بهار رشد می‌کند، «زمانی که از رویش سُلپ از مردم منطقه سؤال پرسیده می‌شد بیان می‌کردند که همه جا هست حتی در حیاط خانه». بومیان از سُلپ استفاده‌های متنوعی می‌کردند برگ‌های این گیاه را در فصل بهار برداشت و از آن دلمه درست می‌کنند به این صورت که لپه را پخته و برنج را خیس‌انده، رب گوجه‌فرنگی، نمک، زردچوبه و پیاز را در روغن تفت داده و با برنج و لپه و آبغوره مخلوط کرده سپس برگ‌های سُلپ را پهن و مواد را درون آن ریخته و می‌گذارند دم بکشد؛ همچنین از آن جهت تهیه نان سُلپ استفاده می‌شد به طوری که این گیاه را خرد کرده و با روغن محلی و ادویه‌جات مخلوط می‌کردند. سرانجام در داخل خمیر نان ریخته، خوب ورز می‌دادند و در نهایت آن را در تنور می‌پختند. از این گیاه در تهیه غذای دوغ دوش که مخلوطی از دوغ تازه محلی، برنج نیم‌دانه و سبزی سُلپ بود نیز استفاده می‌شد.

1. *Rumex elbursensis* Boiss.

۲. مردم محلی به بذر گیاه تخم می‌گفتند.

خکشیر^۱ (*xakešir*):

مردم محلی گیاه خکشیر را در زمهره علفی‌ها می‌دانستند، زمان گلدهی آن اوایل بهار بوده و گل‌های زردرنگی دارد. به اذعان ایشان این گیاه در اواسط اردیبهشت‌ماه دانه می‌دهد در اراضی زراعی، دشت‌ها و اطراف باغات دیده می‌شود. بومیان خوشه یا قوزه خکشیر که حاوی دانه‌های نارنجی‌رنگ خکشیر است را به شمشیر تشبیه می‌کردند، از دانه‌های خکشیر بعد از خشک شدن استفاده‌های دارویی و خوراکی می‌شد، چنانچه برای رفع عطش و گرم‌زدگی در روزهای گرم دانه‌های خکشیر را به همراه آب و شکر و در صورت در دسترس بودن مقداری گلاب به‌صورت شربت تهیه می‌کردند و به بیمارهایی داده می‌شد که نشانه‌هایی از گرم‌زدگی داشتند. از علائم گرم‌زدگی، احساس گر گرفتگی بدن و گاهی ظاهر شدن دانه‌های قرمز رنگ ریز در بدن بیمار در فصل گرم سال است. از این گیاه به‌عنوان یک ملین ضعیف نیز بهره گرفته می‌شد.

یوشان^۲ (*yošan*):

چوپانان منطقه یوشان را به جهت آتش‌زا بودن و استفاده از بوته‌های آن جهت دم کردن چای خود می‌شناختند و بیان می‌کردند چای با هیزم یوشان، خوردن دارد. هر دو نوع یوشان بیان‌شده در این تحقیق (*Artemisia aucheri & Artemisia sieberi*) گیاهانی بوته‌ای و چند ساله می‌باشند. یوشان در فصل بهار در کمرکوه اطراف گیاهان اوقلاق، آقوت و کهلیک‌اوتی رشد می‌کند، بومیان برگ‌های تازه این گیاه را جهت تسکین دندان‌درد مورد استفاده قرار می‌دادند. زنان روستایی در فصل بهار یوشان را جمع‌آوری می‌کردند و در هوای آزاد به‌دوراز نور مستقیم خورشید خشک می‌کردند، آن را در هاون کوبیده و هم جهت درمان معده درد بصورت خشک (مقداری از پودر آن را در کف دست ریخته و می‌خوردند و بلافاصله چند جرعه آب نوشیده می‌شد که به این

1. *Descurainia Sophia Webb ex prantl (L)*.
2. *Artemisia aucheri & Artemisia sieberi*

کارکپ کردن گفته می‌شد) استفاده می‌کردند و هم به صورت جوشانده مصرف می‌شد. یوشان طعمی تند و البته معطر دارد، از نظر تندی و معطری بومیان یوشان را به آویشن و نعنا تشبیه می‌کردند (مانند این دو تند است) به همین دلیل زمانی که سبز می‌باشد مورد چرای دام قرار نمی‌گیرد اما بعد خشک شدن به‌عنوان علوفه‌ای خوش‌خوراک مورد چرا واقع می‌شود.

کَرخ^۱ (*karax*):

گیاهی با فرم رویشی علفی و یکساله که اواخر اردیبهشت در پای کوه، مراتع، دشت‌ها و اطراف اراضی کشاورزی رشد نموده و تا تابستان نیز در منطقه دیده می‌شود. کَرخ از دسته گیاهان خاردار می‌باشد، بومیان منطقه کَرخ را از نظر ظاهری شبیه گیاهی با عنوان آق‌تیکان (کنگر سفید^۲) می‌دانند با این تفاوت که کَرخ دارای گل‌های بنفش اما گل‌های آق‌تیکان سفید می‌باشد. چوپانان منطقه اذعان می‌داشتند که اگر در فصل زمستان مقداری کَرخ را در چای بریزی و بخوری کمتر دچار سرمازدگی می‌شوی. خبرگان محلی بیان می‌کردند که در زمان‌های قدیم، اگر کسی دچار زخم کچلی می‌شد ریشه و برگ کَرخ را با روغن حیوانی مخلوط کرده به‌عنوان ضماد در قسمت‌هایی که دچار ریزش مو و زخم شده بود استفاده می‌نمودند. از جوشانده سرشاخه‌های گلدار کَرخ در درمان تب و رفع معده درد نیز استفاده می‌شد.

قاراقورنه^۳ (*qar:āqurnh*):

گیاهی علفی و چند ساله است، در مراتع، حاشیه جاده‌ها و گهگاه حاشیه مزارع کشاورزی نیز دیده می‌شود، در خاک‌های نرم رشد می‌کند، فصل رویش آن بهار است، خردادماه به گل می‌نشیند، گل‌های آن باسی‌رنگ است که زیبایی خاصی را به مراتع می‌بخشد. چوپانان منطقه بیان می‌کردند که طبیبان محلی در زمان‌های قدیم برگ‌های

1. *Onopordum heteracanthum* C.A.Mey.
2. *Cirsium echinus* (M. Bieb.)
3. *phlomis cansellata* Bunge

قاراقورنه را کوبیده، از آن شامپو تهیه می‌کردند، اگر شخصی از اهالی منطقه دچار شپش یا شوره سر می‌شد از این شامپو جهت رفع شوره و شپش استفاده می‌کرد، همچنین از جوشانده گل‌های این گیاه جهت درمان بیماری دیابت و رفع حالت تهوع استفاده می‌شد. روستاییان منطقه از قاراقورنه به‌عنوان علوفه دام‌های خود نیز استفاده می‌کردند.

آقوت^۱ (*āqut*):

افراد منطقه خوش‌بیلاق آقوت را به‌عنوان اسطوخودوس می‌شناسند. به اذعان خبرگان محلی گیاهی است علفی، چندساله و دارای گل‌های بنفش‌رنگ مایل به سفید. برگ و ساقه آن همانند پامبل نقره‌ای می‌باشد با این تفاوت که درصد مخملی و پرزهای آقوت نسبت به پامبل کمتر می‌باشد، در مناطق شیب‌دار و ارتفاعات دیده می‌شود. سالخوردگان محلی می‌گویند: همه جای کوه به‌ویژه ارتفاعات و همراه با گیاهانی چون کرب‌گسن، کهلیک/وتی، یوشان، گرخ و گودومال دیده می‌شود. طعمی تند و معطر دارد، در فصل بهار رشد نموده و تا اواخر تیرماه نیز در منطقه دیده می‌شود. زنان روستایی در فصل بهار به‌صورت گروهی به کوه می‌روند برگ و گل‌های آقوت را جمع‌آوری نموده و آن را در ظروف حصیری یا بر روی پارچه‌ای در منزل‌هایشان پهن و در سایه می‌گذارند تا به‌تدریج خشک شود، زیرا معتقدند که آقوت در مقابل آفتاب سیاه می‌شود. سالخوردگان، خبرگان و طبیبان محلی آقوت را جهت درمان سرماخوردگی، التهابات گلو، درمان جراحات‌های پوستی، آرام‌بخش و پایین آورنده فشارخون مناسب می‌دانستند.

پامبل^۲ (*pāmbol*):

بومیان این گیاه را علفی و یکساله می‌دانستند. گل‌های آن زنگوله‌ای و سفیدرنگ بوده و در خاک‌های مرطوب و کلوخه‌دار، اطراف چشمه‌ها، جوی‌ها، کوه‌ها و جاهایی که رطوبت بیشتر است می‌روید. برگ‌های آن شبیه برگ ریحان است، سالخوردگان بیان

1. *Stachys inflata* Benth.
2. *Stachys annua* L.

می‌کردند که: «پامبیل را هم در فصل بهار و هم در فصل زمستان در صحرا می‌بینید». زنان روستایی بعد از جمع‌آوری برگ و گل‌های این گیاه اقدام به خشک‌کردن آن می‌کنند، مصاحبه‌شوندگان و بویژه چوپانان جوشانده پامبیل را به‌عنوان مسکنی جهت راحت خوابیدن و سرماخوردگی توصیه می‌کردند.

سقردیل^۱ (*seger:dele*):

گیاهی علفی و یکساله است که در دامنه‌های مرتفع و مناطق سایه‌گیر در فصل بهار رشد می‌کند. اوایل برج سه به گل می‌نشیند. گل‌های آن بنفش‌رنگ و شبیه گل‌های بنوشه است. علت نام‌گذاری آن در بین روستاییان خوش‌بیلاق به این دلیل بود که برگ‌های آن شبیه زبان گاو است و از سقر به معنای گاو و دیل به معنای زبان، گرفته شده است. سالخوردگان منطقه همچنین اذعان می‌داشتند برگ‌های این گیاه همانند زبان گاو چسبناک است. روستاییان از برگ‌های سقردیل در تهیه آش و از گل‌های آن در تهیه دمنوش استفاده می‌نمودند که به‌عنوان آرام‌بخش، ضدسرفه و ضد درد بهره گرفته می‌شد؛ همچنین برخی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌داشتند که از برگ‌های آن در گذشته به‌عنوان طعم‌دهنده غذا نیز استفاده می‌شده است.

ایسفن^۲ (*isfand*):

گیاهی علفی و یکساله است که در اطراف روستا و اراضی هموار و دشت‌ها و بیشتر حوالی زمین‌های رهاشده و مخروبه رویش دارد. در مردادماه میوه سبز آن را زنان روستایی برداشت کرده و با هنرمندی تمام از آن آویزه‌های تزئینی درست می‌کنند. این آویزه‌ها به‌عنوان چشم‌زخم روی دیوارهای خانه و سردر منازل آویزان می‌شوند، همچنین پس از رسیدن کامل، میوه و بذر ایسفن را جمع کرده و در مراسم‌های مختلف شادی و عزاداری، بذر آن را دود می‌کنند. زنان روستایی به هنگام دود دادن ایسفن

-
1. *Caccinia macranthera* Brand
 2. *Peganum harmala* L.

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۸۳

ترانه‌ای را نیز زیر لب زمزمه می‌کنند: «ایسفنلگر چیتاسین یامان گوزگر پاتاسین»^۱. روستاییان اعتقاد زیادی به خاصیت ضد عفونی‌کنندگی و دفع چشم‌زخم ایسفنند دارند. درمانگران محلی برای ضد عفونی نمودن زخم‌های سطحی و عفونت، ساقه، برگ و دانه ایسفنند را دود کرده و دود آن را زیر زخم می‌گیرند.

میخنگ^۲ (mixeng):

مردم منطقه آن را گیاهی علفی و یکساله می‌دانستند که در خاک‌های مرطوب می‌روید. گل‌های آن سفید، قرمز و بنفش می‌باشد. روستاییان منطقه از جوشانده دانه میخنگ جهت مسکن درد دندان، سردرد، تقویت‌کننده کبد و کلیه، اشتها آور و تب بر استفاده نموده و گل‌های آن را جهت زیبایی و تزئین منزل به‌ویژه سرای تازه‌عروس و دامادها استفاده می‌کردند. سالخوردگان دانه‌های این گیاه را لابه‌لای لباس‌های خود جهت خوشبو کردن لباس می‌گذاشتند، همچنین از آن نوعی گردنبند به نام محلو درست کرده و در جشن‌های عروسی آن را به گردن خود می‌انداختند.

خیتمی‌گوله^۳ (Xytmy: gulu):

گیاهی چندساله و علفی که به‌وفور در دشت‌ها، اطراف مزارع و حوالی روستاها به چشم می‌خورد. رشد آن از اوایل بهار در منطقه آغاز می‌شود و در اوایل تابستان به گل می‌نشیند. گل‌های آن پس از برداشت در سایه قرار داده می‌شود تا خشک شود. پس از خشک شدن در ظرف‌های شیشه‌ای ریخته می‌شود و برای زمستان نگهداری می‌شود. بومیان بذر آن را جهت زیبایی در حیاط خانه یا حتی جلوی درب خانه‌هایشان کشت می‌کنند. در زمستان که بیماری‌هایی چون سرماخوردگی، سرفه و عفونت و التهاب گلو رایج است به‌صورت جوشانده برای درمان این بیماری‌ها استفاده می‌شود. از میوه‌های ختمی، که زنان محلی آن را به دکمه تشبیه می‌نمودند، کودکان و بزرگسالان به‌صورت تنقلات نیز استفاده می‌کردند.

۱. دانه‌های اسفنند ترک بردارند تا که چشمان بد بترکند.

2. *Dianthus Caryophyllus* L.
3. *Alcea rosea* L.

گینه^۱ (*ginah*):

گینه را این گونه توصیف می‌کنند، نوعی درختچه خاردار و حالت کپه‌ای چسبیده به زمین است، در فصل بهار رشد می‌کند، گل‌های سفید و صورتی‌رنگی دارد. به گفته بومیان گینه همیشه در صحرا هست، چه سبز و چه خشک‌شده آن، در بالای کوه‌ها زیاد دیده می‌شود. بومیان از هیزم آن استفاده کرده دام‌ها نیز به‌ویژه بزها از آن به‌عنوان علوفه استفاده می‌کنند. سالخوردگان منطقه بیان می‌کنند که در قدیم ریشه سخت و استخوانی گینه را از گیاه جدا کرده، آن را کوبیده و از پودر آن جهت شستشوی لباس استفاده می‌نمودند. به اعتقاد ایشان ریشه این گیاه قدرت پاک‌کنندگی بالایی دارد. بومیان اذعان داشتند که ریشه گینه به‌شدت عطسه‌آور بوده اما از طرفی سکسکه را کاهش می‌دهد. همچنین کسانی که کندوی زنبور داشتند بیان می‌کردند که زنبورها در فصل تابستان از شهد گل گینه استفاده می‌کنند.

بحث

محققین در این مطالعه بر آن بودند تا شیوه بهره‌برداری از گیاهان خودرو را مورد بررسی قرار دهند. این گیاهان در زمره محصولات فرعی مراتع به شمار می‌آیند. محصولات و بهره‌برداری‌هایی که به‌غیر از محصول علوفه‌ای برای دام از مرتع باشد، در ردیف محصولات فرعی قرار گرفته و در جای خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. اینکه علوفه مرتع به‌عنوان محصول اصلی و سایر محصولات به‌عنوان فرعی در نظر گرفته می‌شوند بستگی به سابقه تاریخی چرا از اکوسیستم‌های مرتعی از یک‌طرف داشته و از طرف دیگر بستگی به نگاه انسان به طبیعت دارد. به این لحاظ با توجه به رشد و توسعه فرهنگی جوامع بشری و همچنین تغییر در الگوی مصرف، انتظار می‌رود که در آینده این نحوه نگرش به اکوسیستم مرتعی و طبقه‌بندی مرسوم اصلاح‌شده و

1. *Acantophyllum squarrosum* Boiss.

برخی از محصولات فرعی نیز در نگرش جدید در زمره محصولات اصلی منظور شوند. یکی از راه‌های تغییر در نوع نگرش به محصولات فرعی مراتع مراجعه به دانش بومی جوامع محلی و بهره‌برداران از مراتع است که در طی گذر زمان به‌خوبی آموخته‌اند که چگونه از این محصولات جهت کسب روزی، درمان و تهیه معیشت خود بهره‌جویند.

گیاهان بررسی‌شده در این مطالعه به فرم‌های رویشی علفی یکساله و چند ساله، بوته‌ای و درختچه‌ای تعلق دارند، که از این‌بین فرم رویشی علفی چند ساله با ۴۰ درصد بیشترین درصد استفاده جهت مصارف متعدد را داشت. گیاهان بررسی‌شده متعلق به ۱۷ خانواده گیاهی بودند که در بین آنها خانواده نعنائیان^۱ با ۶ گونه و کاسنیان^۲ با ۵ گونه بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده از این بررسی گویای آن است که بومیان روستای خوش بیلاق دانشی بسیار غنی در رابطه با گونه‌های گیاهی منطقه خود داشتند و گیاهان را برای مصارف مختلف، خوراکی، دارویی و صنعتی استفاده می‌کردند، به‌طوری‌که در تحقیق حاضر از ۳۰ گونه گیاهی نام‌برده شده، از ۱۷ مورد آن استفاده خوراکی - دارویی، ۱۰ مورد آن استفاده دارویی و ۳ مورد آن استفاده دارویی - صنعتی داشتند.

در این پژوهش بیشترین کاربرد به مشکلات گوارشی (۴۰ درصد) و مشکلات تنفسی و سرماخوردگی (۱۶ درصد) تعلق گرفت. روستاییان منطقه اندام‌های مختلفی از گیاهان دارویی را استفاده می‌کردند که از این‌بین به ترتیب برگ‌ها با ۳۲ درصد، ریشه ۱۴ درصد و گل ۱۲ درصد، بیشترین اندام مورد مصرف توسط بومیان بود. سایر اندام‌های گیاهان از جمله از میوه، دانه، ساقه و صمغ برخی از گیاهان نیز مورد استفاده جوامع محلی بود. در بررسی محققانی چون حسینی و همکاران (۱۳۹۷) در مراتع زبرخان شهرستان نیشابور، ابطحی و همکاران (۱۳۹۷) در شهرستان شازند، استان

-
1. Lamiaceae
 2. Compositae

مرکزی و حائری نسب و همکاران (۱۳۹۸) که به بررسی گیاه مردم‌نگاری شهرستان اردستان استان اصفهان پرداخته شده است نیز بیشترین کاربرد به مشکلات گوارشی و بیشترین اندام مورد استفاده به برگ‌ها اختصاص یافته است.

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که بومیان گیاهانی که در محل سکونت خود یافت نموده و در طول سالیان متمادی از آنها جهت مصارف مختلف استفاده‌های متنوع نموده‌اند را به‌گونه‌ای نام‌گذاری کرده‌اند که تا حد زیادی با خصوصیات مورفولوژیک، نیازهای اکولوژیک، بو، طعم و محل رویشگاه آنها تناسب داشته باشد. به‌عنوان مثال گلین‌برماقی که اسم آن از کلمه گلین به معنای عروس و برماقی به معنای ناخن گرفته شده است زیرا برگ گلین برماقی بسیار شبیه به ناخن دست می‌باشد. به گفته بومیان این گیاه دارای روغنی در برگ خود می‌باشد که عروس‌های قدیم جهت کشیده و بلند شدن ناخن‌هایشان از آن استفاده می‌کردند. سیقردیله که برگ‌های آن شبیه زبان گاو است، از سقر به معنای گاو و دیل به معنای زبان، گرفته شده است، سالخوردگان منطقه همچنین اذعان داشتند برگ این گیاه همانند زبان گاو چسبناک است. همچنین کهلپیک اوتی که کهلپیک در زبان ترکی به معنای کبک و اوت به معنای علف می‌باشد، به گفته بومیان چون کبک بیشتر در زیر بوته‌های این گیاه لانه درست می‌کند، این گیاه به نام علف کبک نام‌گذاری شده است و یا قراقورنه که در زبان ترکی به معنای گوش بره چون برگ‌های این گیاه شبیه به گوش بره است و حالت پشم‌آلود دارد، به این نام نام‌گذاری شده است.

نتایج این بررسی با بررسی‌های فروزه (۱۳۹۳) در استان کهگیلویه و بویراحمد مطابقت دارد چنانکه وی نیز اذعان نمود که جوامع محلی از دانش بومی خود برای نام‌گذاری گیاهان بهره برده‌اند و برخی از نام‌های محلی بر اساس دانش بومی نام گرفته‌اند. به‌عنوان مثال در مراتع ییلاقی استان کهگیلویه و بویراحمد گیاهان پشموک، زبون گووری و گینه شلال گونه‌هایی هستند که اسم آنها با خصوصیات ظاهری بخشی از اندام آنها تناسب بسیاری دارد. زیرا پشموک برگ‌هایی صورتی‌رنگ دارد که شبیه به پشم گوسفند است. برگ‌های زبون گووری ظاهری شبیه به زبان گوساله دارد و گینه شلال دارای شاخه‌هایی است که بر روی زمین پهن شده‌اند.

آنچه از بررسی‌ها پیداست گویای آن است که در اغلب مواقع گیاهانی که با نام‌های جذاب نام‌گذاری شده‌اند، دارای طعمی شیرین و گوارا بوده و یا گیاهانی مفید تلقی می‌شوند، مانند: گلین‌برماقی، کنگرمس و شیرین‌بویان، اما گیاهانی که با نام‌های کمتر جلب نظر کننده نام‌گذاری شده‌اند (کرپ‌کسن، چرچرتی و گزو) دارای طعم‌هایی تند یا تلخ هستند.

زمد و مسفین^۱ (۲۰۰۱) در نتایج بررسی خود که در میان برخی قبایل در اتیوپی انجام داده‌اند نیز بیان می‌دارند که تجزیه و تحلیل اسامی توصیفی بومی یا نام‌گذاری‌های مشهور معمولاً بیانگر اطلاعات مهمی می‌باشد، زیرا این اسامی معمولاً شرح نقش‌های ویژه در زندگی بومیان است. آنالیز تعدادی از اسامی بومی گونه‌های گیاهی آشکار کرد که برخی از آن‌ها مستقیماً به انسان، حیوانات وحشی یا اهلی و ویژگی‌های گیاه‌شناسی و یا قسمت‌های قابل استفاده گیاهان اشاره دارد. چنان که آنهایی که از اسامی حیوانات اهلی مثل گوسفند، بز، گاو یا اسامی حیوانات باهوش مثل میمون و پرندگان بهره می‌گیرند معمولاً دلیل خوراکی بودن آنها می‌باشد. اسامی بومی در ارتباط با حیواناتی که به‌طور عموم توسط جامعه خطرناک (مثل کفتار و مار)، کثیف (مثل خوک و سگ ولگرد) و خیانتکار (مثل مارمولک و سوسمار) تلقی شوند، معمولاً اشاره به غیرخوراکی بودن آنهاست. سایر نام‌های بومی، جذاب یا زننده هستند.

نام‌های جذاب بیانگر مزه شیرین، عطر و طعم مناسب هستند. یک نام تحسین‌برانگیز نشانه مفید بودن یا حداقل بی‌ضرر بودن آن گیاه می‌باشد. به‌عنوان مثال «ییرا لومی»^۲ برای گونه *Sclerocarya birrea* در زبان بومیان به معنی لیموی صحرا می‌باشد. یا «هلاگایس»^۳ برای گونه *Commelina benghalensis* به معنی پروار کننده گوسفند است که هر دوی این نام‌ها، نام‌هایی زیبا و جذاب برای مردم منطقه بوده و گیاهان این اسامی نیز برای آنها مفید می‌باشند. از طرف دیگر نام‌های سرزنش‌کننده یا وحشتناک، زنگ خطری برای احتمال سمی بودن یا خطرناک بودن گیاه هستند. گیاهانی با این نام معمولاً دارای مزه تلخ و بوی تند هستند. پروین^۴ و همکاران

-
1. Zemedede and Mesfin
 2. yeberha lomi
 3. hola- gabis
 4. Parveen

(۲۰۰۹) نیز اظهار می‌دارند که نام‌گذاری قومی گیاهان شباهت و تفاوت‌هایی با نام‌گذاری‌های علمی مرسوم دارد. بومیان بیشتر تمایل دارند گیاهان را بر اساس خصوصیات ظاهری و مشخصات رویشگاه نام‌گذاری کنند.

محققان در حین مطالعه دانش بومی جامعه محلی منطقه مورد بررسی دریافتند که دانش ایشان منحصر به شناسایی گیاهان و شناخت خواص مختلف آنها نبوده، بلکه اطلاعات ارزشمندی از مراحل فنولوژی یا همان تقویم رویشی گیاه نیز در اختیار دارند. سعادتپور (۱۳۹۶) نیز اذعان می‌دارد که دانش بومی روستاییان منحصر به شناخت گیاهان و عرصه‌ها نیست، مردم محلی در خصوص فرآیندهای گیاهی نیز دانش وسیعی دارند؛ آنان به‌خوبی فرآیندهای گیاهی را تشخیص و زمان آن را پیش‌بینی می‌نمایند. این فرآیندها شامل شکوفه دادن درختان، گل دادن علفی‌ها، چروکیدگی شدن گیاهان، رسیدن میوه‌ها و غده‌ها و خشک شدن و از بین رفتن گیاهان می‌باشد. این نتایج با تحقیقات حسینی و همکاران (۱۳۹۷) در مراتع زبرخان استان خراسان رضوی و میردیلیمی (۱۳۹۰) در مراتع کچیک استان گلستان مطابقت دارد.

چنانچه از نتایج این تحقیق برمی‌آید یکی از مهم‌ترین اطلاعات کاربردی دانش بومی مردم خوش بیلاق شناخت زیستگاه‌های گونه‌های گیاهی موجود در منطقه بود به‌طوری‌که هرگونه را که شروع به تشریح می‌کردند محدوده یا زیستگاه خاصی را به آن اختصاص می‌دادند به‌طور مثال می‌گویند:

«گزنه را باید در کنار چشمه‌ها، باغ‌ها و جاهایی که رطوبت بیشتری دارد پیدا کرد، آرداش را باید در جاهای برفگیر پیدا کنید نشان‌دهنده خط برف است. اوقلاق را باید در مناطق مرتفع صخره‌ای پشت تپه‌ها جستجو کرد، قارقورنه حاشیه جاده‌ها و مزارع کشاورزی پیدا می‌شود، چله چوپنی را باید در اراضی کشاورزی و باغ‌ها یافت، سِردله در کوه‌ها و باغات، ختمی گوله در دشت‌ها، اطراف مزارع و حوالی روستا به چشم می‌خورد. آنخ در دامنه‌های سنگلاخی و کم شیب دیده شده و کهلیک اوتی لابه‌لای تخته‌سنگ‌ها و کمرکوه به‌وفور یافت می‌شود.»

استفاده از این بُعد دانش گیاه‌شناسی جوامع محلی، زمینه تحقیقات پیشرو و آغازگر را جهت دسترسی آسان‌تر و ارزان‌تر به پیش‌بینی زیستگاه گونه‌های مطلوب و حفاظت و تقویت این مکان‌ها فراهم می‌آورد، چرا که یکی از اولویت‌های مهم در استفاده بهینه از منابع موجود در اکوسیستم‌های مرتعی و اصلاح آنها، آگاهی از حضور واقعی گونه‌های گیاهی و پیش‌بینی حضور پتانسیل آن‌ها در مقیاس‌های متفاوت است. نتایج زائو^۱ و همکاران (۲۰۱۰) نیز مؤید آن است که محل جمع‌آوری و توزیع جغرافیایی نیز از موارد مورد توجه در مطالعات دانش بومی بوده که مردم محلی قادر به یافتن پاسخ صحیح آن هستند. شناخت و تعیین زیستگاه گونه‌های مورد مصرف بومیان یکی از ابعاد دانش بومی است. برای نمونه افراد بومی روستایی واقع در شمال غرب پاتوگونیای آرژانتین بیان کردند که جهت بهره‌برداری از گیاهان مطلوب منطقه باید نقاط دور دست و صعب‌العبور را جستجو کرد. از این‌رو فاصله از محل سکونت و عدم دسترسی دام و انسان به‌عنوان یکی از فاکتورهای اکولوژیکی کلیدی در رویشگاه گیاهان مفید آن ناحیه ذکر شده است (استومبا^۲ و همکاران، ۲۰۰۶).

لاما^۳ و همکاران (۲۰۰۱)، اوزترک^۴ و همکاران (۲۰۰۸) و حیدر و گایسر^۵ (۲۰۰۹) در بررسی اتنوبوتانیکی گیاهان دارویی به تعیین زیستگاه گیاهان نیز علاوه بر خواص دارویی و سمی آنها اقدام نمودند و عامل مهم در مکان‌یابی گیاهان دارویی از نظر مردم ارتفاع از سطح دریا معرفی شد. قریشی^۶ و همکاران (۲۰۱۰) نیز تصریح می‌کنند که در سرتاسر جهان جوامع بومی نسبت به گیاهان و دیگر منابع طبیعی که وابستگی و ارتباط تنگاتنگی با آنها دارند بسیار آگاه هستند. این مردم اغلب در نقاط دورافتاده و نواحی بکر ساکن شده‌اند، از این‌رو اطلاعات آنها برای یافتن طبقه‌بندی و شناخت عوامل

-
1. Zhao
 2. Estomba
 3. Lama
 4. Ozturk
 5. Haidar and Qaiser
 6. Qureshi

محیطی، گیاهان و جانوران هر منطقه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (جونپور و ساتو^۱، ۲۰۰۵). بنابراین مهارت و روش‌های آنها اطلاعات با ارزشی پیرامون مکان‌هایی که قلمرو آنها محسوب می‌شود برای جوامع جهانی به ارمغان می‌آورد به طوری که با استفاده از دانش اتنوبوتانی می‌توان به مدیریت گیاهان یک منطقه در جهت توسعه پایدار اقدام نمود^۲ (گیدای^۳ و همکاران، ۲۰۰۳ و جریک^۴، ۲۰۰۶).

مردم محلی و بویژه مردان و زنان کهنسال معتقد بودند که دانش مربوط به شناسایی گیاهان و خواص متعدد خوراکی و دارویی آنها که طی نسل‌ها، خود و اجداد ایشان را از مخاطراتی همچون خشکسالی، قحطی و بیماری‌های گوناگون نجات داده است، به سرعت در حال اضمحلال و فراموشی است و محققان نیز این دانش را کمتر میان جوانان یافت می‌نمودند. درمانگران محلی و خبرگان کهنسال معتقد بودند که دانش آنها به دلیل پیشرفت‌های پزشکی و صنعتی، از بین رفتن سنت‌ها و عدم علاقه نسل امروز به فراگرفتن آن در حال از بین رفتن است. در این مورد محققانی از جمله لانگ و رانگ^۵ (۲۰۰۴) در مطالعه اتنوبوتانی گیاهان دارویی مورد استفاده مردم یائو در چین، بیان کردند که درمانگرهای محلی بیشتر مسن‌ها هستند که از انتقال دانش بومی‌شان به نسل جوان نگران هستند که بخشی از آن دانش در اثر فراگیری ناکافی، بدست فراموشی سپرده شود. مهم‌ترین اقدام برای جلوگیری از نابودی دانش بومی این افراد در خصوص گیاهان دارویی و خوراکی، جمع‌آوری و مدیریت دانش بومی و انتشار آن در منطقه مورد مطالعه می‌باشد. همچنین اوغولو و همکاران^۶ (۲۰۰۹) مستندسازی اطلاعات بومی را به علت کاهش انتقال دانش از نسل قدیم به نسل جدید، ارزشمند دانستند.

1. Junior and Sato

۲. در اغلب اصول چهل‌گانه منشور توسعه پایدار (Agenda 21) نیز توجه به دانش مردم بومی بطور مستقیم یا غیرمستقیم بعنوان یکی از ضروریات توسعه پایدار مورد تأکید قرار گرفته است.

3. Giday

4. Gerique

5. Long and Rong

6. Ugulu

نتایج این تحقیق گویای آن است که پژوهش‌های گیاه مردم‌نگاری اطلاعات بسیار با ارزشی را در مورد گیاهان با خواص متنوع بیان می‌کند. این گونه تحقیقات می‌تواند علاوه بر ایجاد بانک اطلاعاتی ارزشمند، از تجربیات مؤثر و قاطع نسل‌های گذشته، به‌عنوان سرخ، زمینه‌ای را برای تحقیقات فیتوشیمی و داروشناسی فراهم آورند تا بدان وسیله، اقدام به شناسایی، استخراج، تولید و فرآوری داروهای گیاهی مؤثر و کم‌خطر در پیشگیری و درمان بیماری‌های شایع هر منطقه و بالاخره کشف روش‌های درمانی جدید گردند که لازم است در مدیریت و توسعه گیاهان دارویی در ایران و جهان بیش‌ازپیش به آن پرداخته شود (میردیلمی، ۱۳۹۱). همچنین گیاهان مختلفی را در زمینه خوراک و مصارف صنعتی شناسایی نموده و آن را به جامعه معرفی نماید.

در این مطالعه مشاهده شد که با استفاده از دانش بومی می‌توان به اطلاعات با ارزشی پیرامون خواص دارویی، زمان رویش، زمان برداشت، اندام قابل‌استفاده همچنین یافتن زیستگاه‌ها و مناطق رویش این گیاهان دست یافت، چرا که دانش بومی مرتبط با گیاهان دارویی و معطر که نزد افراد سالخورده و خبیره بومیان هر منطقه قرار دارد، با سرعت زیاد در حال فراموشی و از بین رفتن می‌باشد که درواقع بخشی از فرآیند تخریب فرهنگ‌های محلی و بومی است که در طول صدها سال گردآوری شده‌اند. بنابراین بجاست که از دانش بومی گیاه‌شناسی اطلاعات لازم را داشته باشیم تا بتوانیم بهره‌برداری مناسبی از این گونه‌های ارزشمند هم در دانش بومی و هم در دانش رسمی داشته باشیم به‌طوری‌که فرهادی و همکاران بیان می‌کنند: گیاه مردم‌شناسی گنجایش آن را دارد که به‌سرعت به دانشی کاربردی و بسیار مفید برای آینده جهان و ایران تبدیل گردد. برخی از گیاهان از منظر غذایی، برخی دارویی و برخی از منظر صنعتی و دارویی، هر دو می‌توانند برای آینده جامعه تخلیه شده از نفت و گاز و فروافتاده از نظر آب و باران، بسیار مهم باشند (فرهادی و همکاران، ۱۳۹۳).

منابع

- مظفریان، ولی‌الله. (۱۳۷۵). *فرهنگ نام‌های گیاهان ایران*، فرهنگ معاصر.
- ابطحی، فائزه‌السادات. (۱۳۹۸)، مطالعه اتنوبوتانی برخی گیاهان دارویی شهرستان شازند، استان مرکزی، *فصلنامه علمی پژوهشی گیاهان دارویی*، سال ۱۹، دوره ۲، شماره ۷۰.
- بارانی، حسین؛ بهمنش، بهاره و شهرکی، محمدرضا. (۱۳۹۰). دانش بومی گیاه‌شناسی گیاهان دارویی منطقه چهارباغ مراتع استان گلستان. *دانش‌های بومی ایران*، سال ۲، دوره ۲، شماره ۳.
- حسینی، مروارید؛ فروزه، محمدرحیم و بارانی، حسین. (۱۳۹۷)، شناسایی و بررسی اتنوبوتانی منتخبی از گیاهان دارویی شهرستان نیشابور، *فصلنامه علمی پژوهشی گیاهان دارویی*. سال ۱۹، شماره ۷۰.
- حائری نسب، مریم و عباسی، شبنم. (۱۳۹۸)، بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی و معرفی برخی گونه‌های سمی شهرستان اردستان (استان اصفهان)، *فصلنامه علمی پژوهشی گیاهان دارویی*. سال ۱۹، شماره ۷۰.
- حاتمی، الهام و زاهدی‌فر، مریم. (۱۳۹۵)، بررسی اتنوبوتانی منتخبی از گیاهان دارویی شهرستان فسا در استان فارس، *مجله طب سنتی اسلام و ایران*. سال ۷، دوره ۷، شماره ۱
- خدایاری، حامد؛ امانی، شهریار و امیری، حمزه. (۱۳۹۳)، اتنوبوتانی گیاهان دارویی شمال شرق استان خوزستان، *نشریه اکوفیتوشیمی گیاهان دارویی*. سال ۲، دوره ۲، شماره ۴.
- درخشان، نیما؛ خاتم‌ساز، محبوبه و ذوالفقاری، بهزاد. (۱۳۹۵)، کاربردهای اتنوبوتانیک گیاهان شهرستان سقز (استان کردستان)، *مجله طب سنتی اسلام و ایران*. سال ۷، دوره ۷، شماره ۴.
- دیف‌رخش، سیده معصومه. (۱۳۹۱)، بررسی دانش بومی (اتنوبوتانی و اتنواکولوژی) مهم‌ترین گونه‌های غیرعلوفه‌ای (خوراکی، دارویی و صنعتی) منطقه دلی‌کما (استان کهگیلویه و بویراحمد). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* دانشکده مرتع و آبخیزداری. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
- دولت‌خواهی، مهدی و نبی‌پور، ایرج. (۱۳۹۳)، بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی حوزه آبریز شمال شرقی خلیج فارس. *فصلنامه گیاهان دارویی*. سال ۱۳، شماره ۵۰.
- ذوالفقاری، بهزاد؛ صادقی، مسعود؛ تیری، ایمان و یوسفعلی‌تبار، مقداد. (۱۳۹۱)، جمع‌آوری، شناسایی و بررسی مصارف سنتی منتخبی از گیاهان شهر بابل، *مجله طب سنتی اسلام و ایران*. سال ۳، دوره ۳، شماره ۱.

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۹۳

- رزمجویی، دامون؛ زارعی، زهرا و آرمند، رحام. (۱۳۹۶)، مطالعه اتنوبوتانی (شناسایی، خواص درمانی و نحوه استفاده) برخی گیاهان دارویی شهرستان بهبهان، استان خوزستان، **فصلنامه علمی پژوهشی گیاهان دارویی**. سال ۱۷، دوره ۴، شماره ۶۴.
- سجادی، سید ابراهیم؛ بتولی، حسین و قنبری، علی. (۱۳۹۰)، جمع‌آوری و بررسی مصارف سنتی منتخبی از گیاهان شهرستان کاشان، **مجله طب سنتی اسلام و ایران**. سال ۲، دوره ۲، شماره ۱.
- سجادی، ابراهیم؛ بخشینانی، مهدی؛ نکوخو، مسعود و ذوالفقاری، بهزاد. (۱۳۹۵)، بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی شهرستان فریدون‌شهر، **مجله طب سنتی اسلام و ایران**. سال ۷، دوره ۷، شماره ۳.
- سعادت‌پور، مسلم؛ بارانی، حسین؛ عابدی سروستانی، احمد و فروزه، محمدرحیم. (۱۳۹۶)، بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی سجا رود (استان زنجان)، **فصلنامه داروهای گیاهی**. سال ۸، دوره ۳، شماره ۳.
- علی‌میرزایی، فهیمه؛ بهمنش، بهاره؛ محمدی استاد کلایه، امین و شهرکی، محمدرضا. (۱۳۹۶)، دانش بومی گیاهان دارویی از دیدگاه بهره‌برداران عشایری در مرتع چهل‌کمان استان خراسان رضوی، **دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران**. سال ۴، دوره ۴، شماره ۷.
- عباسی، شبنم؛ افشارزاده، سعید و مهاجری، عبدالرضا، (۱۳۹۱). معرفی گونه‌های گیاهی با خواص دارویی در منطقه نطنز (کاشان)، **داروهای گیاهی**، سال ۳، دوره ۳، شماره ۳.
- فروزه، محمدرحیم؛ حشمتی، غلامعلی و بارانی، حسین. (۱۳۹۳)، گیاه‌مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی - دارویی مرتع دیلگان استان کهگیلویه و بویر احمد، **مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران**. سال ۴، دوره ۴، شماره ۱.
- فرهادی، مرتضی؛ امینی، سیاوش؛ خالدی، طیب؛ رشیدی، مرتضی؛ امیری، شجاع؛ شیرواند، افشین؛ جمشیدی، ایرج؛ کمالوندی، فهیمه؛ گاورسینی، علی؛ مرادی، امیر؛ جلیلیان، خانم؛ احمدی و دارام رودی، اکرم (۱۳۹۳)، جی غال اسمک (جوغاسم، پیشوک، پیقک، چیدم، چیدان، چکیدان ...) گیاه مردم‌شناسی و جغرافیای گیاهی (قلمرو رویشی) این گیاه در ایران. **فصلنامه علوم اجتماعی**. شماره ۶۷.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۳)، «مردم‌نگاری دانش‌ها و فناوری‌های سنتی: "نان شب" مردم نگاران ایران». **دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران**، شماره ۲.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۲)، گلخوشناسی گونه‌ای گل حسرت جوقاسم (جی غال اسمک، پیشوک، پیغوک، ...)، *فصلنامه علوم اجتماعی*. شماره ۶۳.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۴)، گیاه مردم‌نگاری با چکیده و نمونه‌هایی از گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودروی کمره. *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۴-۳۵.
- کیاسی، یاسمن و فروزه، محمدرحیم. (۱۳۹۸)، بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی مرتع آلمالیچه شهرستان آباء، *مجله طب سنتی اسلام و ایران*. سال ۱۰، دوره ۱۰، شماره ۱.
- کوسه غراوی، یاز مراد؛ شهرکی، محمدرضا؛ عابدی سروسستانی؛ احمد و بهمنش، بهاره. (۱۳۹۳)، *دومین همایش ملی کاربرد گیاهان دارویی در سبک زندگی و طب سنتی*، وزارت علوم تحقیقات فناوری دانشگاه تربت‌حیدریه.
- گنجعلی، علیرضا و خاک‌سفیدی، عباس. (۱۳۹۴)، شناسایی برخی گونه‌های گیاهان دارویی شهرستان زابل (استان سیستان و بلوچستان) و کاربرد آنها در طب سنتی، *مجله طب سنتی اسلام و ایران*. سال ۶، دوره ۶، شماره ۱.
- میردیلیمی، زهره؛ حشمتی، غلامعلی و بارانی، حسین. (۱۳۹۳)، مطالعه اتنوبوتانی و اتنواکولوژی گونه‌های دارویی کچیک (مطالعه موردی مراتع کچیک در شمال شرق استان گلستان)، *دوفصلنامه دانش‌بومی ایران*. سال ۱، دوره ۱، شماره ۲.
- مقصودی، منیژه و پارسا‌پژوه، سپیده. (۱۳۹۰)، گیاه قوم‌شناسی منطقه پس قلعه در شمال شهر تهران، *مجله پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*. سال ۱، دوره ۱، شماره ۲.
- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان. (۱۳۹۴)، گزارش اقتصادی اجتماعی مطالعات تعمیم ترسیب کرین
- حوزه آبخیز تیل آباد.

- Ayyanar, M and Ignacimuthu, S. (2010). Plants used for non-medicinal purposes by the tribal people in Kalakad Mundanthurai Tiger Reserve, Southern India. *Indian Journal of Traditional Knowledge*. 3: 515-518.
- Banton, B. N. (1998). An ethnobotanical analysis of tree species of El Imposible national Park, Ahuachapan, El Salvador. Banton, Biology. Pp: 1-4.
- Cavendish, William. (2000). *Empirical regularities in the poverty-environment relationship of rural households: evidence from Zimbabwe*. World Development. 11: 1979p.

- Chen, Yu., Yang, Gaihe., Sweeney, Sandra., and Feng, Yongzhong. (2010). Household biogas use in rural China: A study of opportunities and constraints. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*. 14: 545-549.
- Cunningham, A. B. (1998). "An investigation of the herbal medicine trade", In Natal/KwaZulu, Institute of Natural Resources, Pietermaritzburg: University of Natal. 298p.
- Estomba, Diego., Ladio, Ana., and Lozada, Mariana. (2006). Medicinal wild plant knowledge and gathering patterns in a Mapuche community from North-western Patagonia. *Journal of Ethnopharmacology*. 103: 109-119.
- Fakir, Hüseyin. Mehmet, Korkmaz. and Bilgin, Güller. (2009). "Medicinal plant diversity of western Mediterranean region in Turkey." *Journal of Applied Biological Sciences*. 3,2, 30-40.
- Gerique, Andrés. (2006). An introduction to ethnoecology and ethnobotany. Integrative assessment and planning methods for sustainable agroforestry in humid and semiarid regions. Advanced Scientific Training-Loja, *Ecuador*. Pp: 1-20.
- Giday, Mirutse., Asfaw, Zemed., Elmqvist, Thomas., and Woldu, Zerihun. (2003). An ethnobotanical study of medicinal plants used by the Zay people in Ethiopia. *Journal of Ethnopharmacology*. 85: 43-52.
- Gitika, Asha Sharma ., and Kumar, Manoj. (2016). Ethnobotanical Study of Some medicinal plants of Haryana, India. *World Journal of Pharmacy and Pharmaceutical Sciences*, 5(8): 1717-1736.
- Haidar, Ali., and Qaiser, M. (2009). The ethnobotany of Chitral valley, Pakistan with particular reference to medicinal plants. *Pakistan Journal of Botany*. 4:2009-2041.
- Júnior, Nelson., And Sato, M. (2005). Ethnoecology And Conservation In Protected Natural Areas: Incorporating Local Knowledge In Superagui National Park Management, Braz. *Journal of Biol.* 1: 117-127.
- Kaya, Ayla. Fatih, Satil. and Fatih, Gogel. (2009). "Nutlet surface micromorphology of Turkish Satureja (Lamiaceae)." *Biologia*. 64,5, 902-907.
- Lama, yashi choden., Ghimire, Suresh K., and Aumeeruddy-Thomas, Y. (2001). Medicinal plants of Dolpo: Amchis' knowledge and conservation. WWF Nepal. 151p.
- Long, Chung- Lin, Rong, Li. (2004). Ethnobotanical studies on medicinal plants used by the Red-headed Yao People in Jinping, Yunnan Province, China, *Journal of Ethnopharmacology*. 90 (2-3), 389-95.

- Ozturk, Munir., Uysal, Ismet., Gücel, Salih., Mert, Tuba., Akcicek, Eren., and Celik, Sezgin. (2008). Ethnoecology of poisonous plants of turkey and northern Cyprus. *Pakistan Journal of Botany*. 4: 1359-1386.
- Parveen, B, Upadhyay Bhuvaneshwar, Roy, Shikha, Kumar Ashwani. (2009). Traditional uses of medicinal plants among the rural communities of Churu district in the Thar Desert, India. *Journal of Ethnopharmacology*, 113(3), 387-99.
- Qureshi, Rahmatullah. and Bhatti, G. Raza. (2008). Ethnobotany of plants used by the Thari people of Nara Desert. Pakistan. *Journal of Fitoterapia*, 79, 468-473.
- Qureshi, Rahmatullah., Bhatti, G. Raza., and Memon, Rabia. (2010). Ethnomedicinal uses of herbs from northern part of nara desert, pakistan. *Pakistan Journal of Botany*. 2: 839-851.
- Sharma, Tika prasad., and Borthakur, SK. (2008). Ethnobotanical observations on Bamboos among Adi tribes in Arunachal Pradesh. *Indian Journal of Traditional Knowledge*. 4: 594-597.
- Ugulu, Ilker, Baslar, Suleyman, Yorek, Nurettin, Dogan, Yunus. (2009). The investigation and quantitative ethnobotanical evaluation of medicinal plants used around Izmir province, Turkey. *Journal of medicinal plant research*. 3(5), 345-367.
- Zemed, Asfaw., and Mesfin, Taddse. (2001). Prospects for Sustainable Use and Development of Wild Food Plants in Ethiopia. *Economic Botany*. 1, 47-62.
- Zhao, Zhil., Dorje, Gaawe., and Wang, Z.T. (2010). Identification of medicinal plants used as Tibetan Traditional Medicine Jie-Ji. *Journal of Ethnopharmacology*. 132: 122-126.
- Pardo-de, Santayana Manuel, Pleroni Andrea, Puri Rajindra K. (2010). Ethnobotany in the New Europe: People, Health and Wild Plant Resources. New York, NY, *Berghahn Books*.

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۹۷

جدول ۲- مشخصات مصاحبه‌شوندگان مرتع خوش ییلاق در استان گلستان

ردیف	نام و نام خانوادگی	سن	تحصیلات	شغل
۱	قاسم غلامی	۷۰	بیسواد	کشاورز
۲	حسین غلامی	۴۴	ابتدایی	دامدار
۳	الیاس نوروزی	۳۰	ابتدایی	دامدار
۴	محمد حسین نوروزی	۵۱	بیسواد	کشاورز
۵	جواد نوروزی	۴۸	ابتدایی	کشاورز
۶	رمضان نوروزی	۲۷	راهنمایی	قرق‌بان
۷	علی نوروزی	۷۳	بیسواد	کشاورز
۸	غلام نوروزی	۴۹	بیسواد	دامدار
۹	حسن نوروزی	۳۷	ابتدایی	دامدار
۱۰	محمد نوروزی	۷۵	بیسواد	دامدار
۱۱	یعقوب غلامی	۵۸	بیسواد	دامدار
۱۲	حسن غلامی	۴۲	ابتدایی	کشاورز
۱۳	الله وردی نوروزی	۷۵	بیسواد	دامدار
۱۴	حسین نوروزی	۴۴	ابتدایی	دامدار
۱۵	برات غلامی	۷۶	بیسواد	دامدار
۱۶	رمضان نوروزی	۵۶	ابتدایی	کشاورز
۱۷	مجید نوروزی	۴۰	ابتدایی	کشاورز
۱۸	قربان غلامی	۳۲	ابتدایی	دامدار
۱۹	هیبت‌الله غلامی	۶۸	بیسواد	آزاد
۲۰	طالب غلامی	۸۲	بیسواد	بازنشسته
۲۱	علیرضا نوروزی	۷۶	بیسواد	بازنشسته
۲۲	علی غلامی	۶۲	بیسواد	آزاد
۲۳	محمد غلامی	۷۴	بیسواد	کشاورز
۲۴	حسین نوروزی	۸۵	بیسواد	دامدار
۲۵	قنبر نوروزی	۷۰	بیسواد	دامدار

۲۶	رحیم نوروزی	۵۰	بیسواد	آزاد
۲۷	جواد نوروزی (لیلا)	۴۲	بیسواد	کشاورز
۲۸	امیر نوروزی	۴۱	بیسواد	کشاورز
۲۹	جعفر نوروزی (کاظم)	۲۵	راهنمایی	آزاد
۳۰	کاظم نوروزی	۵۰	ابتدایی	آزاد
۳۱	قاسم عباسی	۳۵	لیسانس	کشاورز
۳۲	باران غلامی	۳۶	لیسانس	آزاد
۳۳	ستاره نوروزی	۶۰	بیسواد	خانه‌دار
۳۴	فاطمه نوروزی	۶۰	بیسواد	خانه‌دار
۳۵	شاه نسا (گوزل غلامی)	۵۰	نهضت	خانه‌دار
۳۶	معصومه نوروزی (یحیی)	۷۵	بیسواد	خانه‌دار
۳۷	سلیمه نوروزی	۵۶	بیسواد	خانه‌دار
۳۸	ام لیلا غلامی	۳۵	ابتدایی	خانه‌دار
۳۹	صدیقه نوروزی	۶۲	بیسواد	خانه‌دار
۴۰	مریم علیپور	۴۷	دیپلم	خانه‌دار
۴۱	کلثوم سنچولی	۳۴	راهنمایی	خانه‌دار
۴۲	لیلا نوروزی	۷۰	بیسواد	خانه‌دار
۴۳	بطول چوپانی مقدم	۴۳	راهنمایی	خانه‌دار
۴۴	سروناز غلامی	۳۲	ابتدایی	خانه‌دار
۴۵	لیلا نوروزی	۶۵	بیسواد	خانه‌دار
۴۶	مریم نوروزی	۴۰	ابتدایی	خانه‌دار
۴۷	گل بانو نوروزی	۷۰	بیسواد	خانه‌دار
۴۸	ملیحه نوروزی	۴۰	ابتدایی	خانه‌دار
۴۹	راضیه نوروزی	۳۵	ابتدایی	خانه‌دار
۵۰	فاطمه غلامی	۴۸	ابتدایی	خانه‌دار
۵۱	طاهره غلامی	۶۲	بیسواد	خانه‌دار
۵۲	خیرالنسا غلامی	۷۵	بیسواد	خانه‌دار

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۱۹۹

۵۳	زهرامحمودی	۶۵	ابتدایی	خانه‌دار
۵۴	خدیجه نوروژی	۶۳	بیسواد	خانه‌دار
۵۵	عصمت نوروژی	۳۰	ابتدایی	خانه‌دار
۵۶	ملیحه نوروژی	۴۰	ابتدایی	خانه‌دار
۵۷	مرضیه نوروژی	۳۹	ابتدایی	خانه‌دار
۵۸	حدیثه نوروژی	۳۵	ابتدایی	خانه‌دار
۵۹	مریم نوروژی	۳۷	ابتدایی	خانه‌دار
۶۰	هاجر نوروژی	۳۰	ابتدایی	خانه‌دار
۶۱	راضیه نوروژی	۴۳	ابتدایی	خانه‌دار
۶۲	شرف نوروژی	۵۰	بیسواد	خانه‌دار
۶۳	درنسا نوروژی	۶۰	بیسواد	خانه‌دار
۶۴	راضیه نوروژی	۸۰	بیسواد	خانه‌دار
۶۵	شهناز نوروژی	۶۵	بیسواد	خانه‌دار
۶۶	شهناز نوروژی (علی اکبر میرزا)	۴۵	بیسواد	خانه‌دار
۶۷	زهرامحمودی	۳۹	ابتدایی	خانه‌دار
۶۸	خدیجه نوروژی (قنبر)	۳۵	ابتدایی	خانه‌دار
۶۹	نرگس نوروژی	۴۹	ابتدایی	خانه‌دار
۷۰	پریبا نوروژی	۲۸	راهنمایی	خانه‌دار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۲۰۰ دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، سال پنجم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸

تصاویر گیاهان خوراکی، دارویی و صنعتی مرتع خوش‌بیلاق

عکاس: یاسمن کیاسی، تاریخ عکسبرداری: بهار و تابستان ۱۳۹۸



Verbascum thapsus L.
(گودومال) *godumāl*



Onopordum heteracanthum C.A.Mey.
(کرخ) *Karax*



Artemisia aucheri Boiss.
(یوشان) *yō š ān*



Viola odorata L.
(پنوشه) *banu ša*



Peganum harmala L.
(ایسفند) *Isfand*

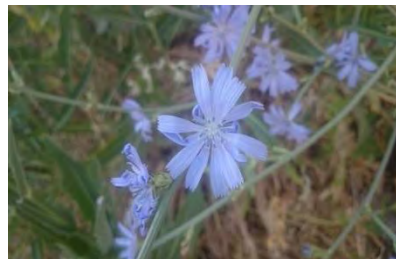


Falcaria vulgaris Bernh.
(گلن برماقی) *Galen bermaqi*

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۲۰۱



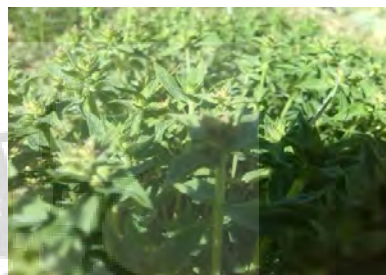
Rumex elbursensis
Boiss.
سئب (Solup)



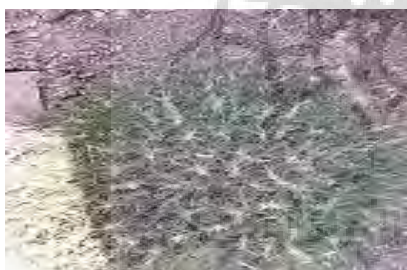
Cichorium intybus L.
چرچرتی (čer čert i)



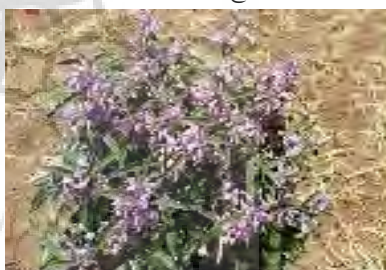
Achillea millefolium L.
ساری‌گول (Sāry:gul)



Ziziphora clinopodioides Lam.
آنخ (nox ā)



Astragalus verus Olivier.
اوقلاق (Oqlāq)



Phlomis cansellata Bunge.
فارقورنه (qar:āqurnh)



Stachys inflata Benth.

آقوت (Āqut)



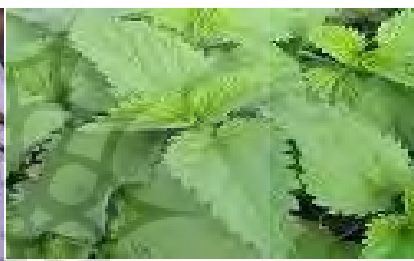
Caccinia macranthera
Brand) Banks & Sol

Seghr dele (سقر دله)



Lepidium
latifolium L.

Čaleh: čupi (چله چوبی)



Urtica dioica L.

Gezneh (گزنه، گزوه)



Tragopogon collinus DC.
Yemlik (یملیک)



Arctium lappa L.
Kangar (کنگرمس)

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی ... ۲۰۳



Teucrium polium L.
(کِرپ کَسَن) *kerpkasan*

Thymus kotschyanus Bioss. & Hohen
(کَهلیک اوتی) *kahlik:oty*



Glycyrrhiza glabra L.
(شیرین بویان یا بلک) *šyrin:boyān*

Berberis integerrima Bunge
(زَرگیش) *Zergyš*



Rhamnus pallasii
Fisch. & Mey
(تَنگِیس) *Tengis*

Juniperus communis L.
(آرداش) *ārdā*

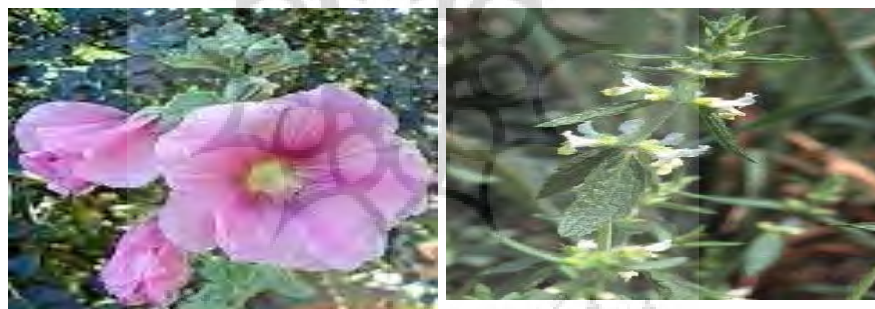


Mespilus germanica L.
Kondus (کُنْدُس)

Acantophyllum squarrosum Boiss
چوبک زبر (گینه)

Dianthus caryophyllus L.
mixeng (میخنگ)

Descurainia Sophia
Webb ex prantl L.
xakešir (خکشییر)



Alcea rosea L.
Xytmy: gulu (ختمی گوله)

Stachys annua L.
Pāmbol (پامبیل)